

بدن‌بینی^۱؛ کاربرست رویکرد گفتمان تاریخی رُوث وُداک در تحلیل مستند «دماغ به سبک ایرانی»

آرش حسن‌پور، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، ایران*
علی ربانی خوراسگانی، دانشیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، ایران

بدن فرد، بازنما و بازتولیدکننده بدن جامعه است.

(بوردو، ۱۹۹۵: ۴۲)

چکیده

در فرهنگ مصرفی کنونی مقوله بدن و بدن‌پنداری، رکن اساسی هویت شخصی شده است؛ در نتیجه در سال‌های اخیر انواع مختلفی از جراحی زیبایی در جامعه ایرانی متداول شده که بالاترین میزان مراجعات زیبایی، متعلق به جراحی بینی است. در این مقاله با تأکید بر اهمیت بدن و تمایل روزافزون به جراحی زیبایی بینی در جامعه ایرانی و اشاره به تحولات گفتمانی بدن در ایران، تلاش شده است با الهام از نظریه باومن و باتلر در حوزه جنسیت، روش تحلیل گفتمان انتقادی و رویکرد تاریخی وُداک، مستند اجتماعی «دماغ به سبک ایرانی» توصیف، تفسیر و معناکاوای شود. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد در مستند مذکور، نهادهایی مانند تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش)، دین، پزشکی و هنر، موقعیت سخن‌گویی و موضع‌گیری پیرامون بدن و جراحی زیبایی دارند. فیلم مستند همچنین تنازعی گفتمانی-ارزشی بین گفتمان مدرسه و پزشکی به‌عنوان تأییدگران و مشروعیت‌دهندگان این کردار گفتمانی (جراحی زیبایی) و گفتمان دین و هنر به‌عنوان نکوهش‌گران این کردار است و در این میان مبادرت‌کنندگان نیز در دیالکتیک‌هایی همچون اطمینان^۲ تردید، تشویش^۳ لذت و خوشایندی و فردیت قرار می‌گیرند. تحلیل گفتمان مستند مذکور همچنین نشان می‌دهد هیچ‌یک از گفتمان‌های مذکور، موقعیت برتر و فرادست را پیرامون جراحی زیبایی و تصاحب فضای گفتمانی آن ندرند و به همین دلیل نمی‌توانند یکسره هژمونیک شوند و بر ساحت مذکور تفوق پیدا کنند. **کلیدواژه‌ها:** مدیریت بدن، جراحی زیبایی، تحلیل گفتمان انتقادی، رویکرد تاریخی وُداک، مستند «دماغ به سبک ایرانی»، تنازعات گفتمانی

^۱ این پژوهش در سنت تفسیری انتقادی و روش تحقیق کیفی معنا پیدا می‌کند. از همین رو به تأسی از این سنت روش‌شناختی، محقق بخشی از فرایند تحقیق است و همچنین مضمون‌سازی و جعل و برساخت مفاهیم و تم‌ها در این‌گونه پژوهش‌ها اهمیت می‌یابد. انتخاب عنوان «بدن‌بینی» هم برساخت ذهنی پژوهشگران است که از سویی به دو گانه بدن و بینی اشاره دارد و از سویی دیگر واجد معنای ضمنی تامل پیرامون بدن انسانی است.

* نویسنده مسؤول: ۰۹۱۳۱۱۰۶۳۳۹

Email: arash.hasanpour@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

انسان موجودی است که کالبدی جسمانی دارد و بدن مادی، سازه‌ای است که در آن تفاوت‌های جنسیتی، نژادی، قومی و طبقاتی شکل می‌گیرد و خود را متجلی می‌کند. از همین رو توجه به بدن و رواج آن در متون جامعه‌شناسی دو دهه اخیر، مباحث گسترده‌ای را حول موضوعاتی نظیر هویت، جنبش‌های اجتماعی، فرهنگ مصرفی، سبک زندگی و اخلاق برانگیخته است (ذکایی، ۱۳۸۶). همچنین رشد فناوری‌های تغذیه، سلامت و ورزش در کنار اهمیت یافتن عاملیت، جوانی، فردیت یافتن بدن، بدن‌محوری فرهنگ مصرفی^۱، بدن و بدن‌شدن را به موضوعی محوری در مطالعات اجتماعی و فرهنگی جامعه معاصر بدل کرده است (Shilling, 2003: ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

یکی از مسائل مطرح‌شده در ارتباط با شاخص‌های سبک زندگی، مقوله مدیریت بدن است که امروزه در بین جوانان عمومیت یافته است. مدیریت بدن با اعمال و کردارهایی مثل پوشش ظاهری، آرایش بدن، نوع سلیقه‌های ورزشی و رژیم‌های غذایی بیان می‌شود. گفتنی است یکی از مؤلفه‌های شاخص مدیریت بدن را در چارچوب جراحی‌های زیبایی و راهکارهای تغییر و دخل و تصرف در بدن می‌توان جستجو و پیگیری کرد. آمارها در مقیاس جهانی در حوزه جراحی زیبایی نشان می‌دهد در ۱۵ سال گذشته شمار متقاضیان عمل‌های جراحی زیبایی، ۷۰ درصد رشد داشته است. به اعتقاد تحلیل‌گران و به استناد برخی آمارها و شواهد، در سال‌های اخیر در جامعه ایران نیز توجه روزافزون به بدن شتاب چشمگیری داشته است (زائر رضایی، ۱۳۸۵) به گونه‌ای که بر اساس آمار غیررسمی، هرساله بیش از ۳۶ هزار ایرانی زیر تیغ جراحی زیبایی صورت می‌روند. گفتنی است در میان جراحی‌های مختلف معطوف به زیبایی، کشور ایران در جایگاه بالایی قرار داشته و حداقل به لحاظ عمل زیبایی بینی، رتبه نخست را در سال ۲۰۱۰ به خود اختصاص داده است. بعد از کشور ایران نیز کشورهای نظیر آمریکا، انگلستان و

فرانسه قرار دارند^۲. همچنین آمارها در این زمینه نشان می‌دهد هم‌اکنون بیش از ده هزار زن، متقاضی جراحی بینی و پلاستیک هستند (رضایی و همکاران، ۱۳۸۹)^۳ و کشور ایران، در ارتباط با جراحی بینی در رتبه اول^۴ (ایران پایتخت جراحی بینی دنیا دانسته می‌شود) و در مورد حذف چین‌وچروک صورت در رتبه سوم جراحی‌های معمول در دنیا قرار دارد (گلشنی، ۱۳۸۹: ۴۱).

همان‌گونه که توضیح داده شد این تأکید و تمرکز بر بدن در سطح جهانی به سطح داخلی و محلی نیز اشاعه یافته است، به گونه‌ای که خیابان‌های مناطق تهران بیشترین تابلوهای مراکز زیبایی، جراحی و لیزر را دارد. علاوه بر این، تبلیغات روزنامه‌ها و مجله‌ها نیز نشان‌دهنده اهمیت روزافزون این مقوله در زندگی روزمره ایرانیان و طبقات متوسط جدید است (احمدنیا، ۱۳۸۴)، به گونه‌ای که روزنامه اشپیگل در گزارشی با عنوان «چون زیبایی در ایران»^۵ در مورد وضعیت جراحی زیبایی، تمایل به آرایش و مدیریت بدن در بین زنان ایرانی می‌نویسد: «زیابودن در ایران یکی از وظایف اصلی زنان است و به یک کار روزانه تبدیل شده است. خیابان‌های تهران پر است از زنان و مردانی که چسب بینی بر دماغ خود دارند. زنان ایرانی برای برنزه‌شدن تا مرز بی‌هوشی زیر آفتاب جزغاله می‌شوند و برای لاغرشدن جرعه‌جرعه سرکه سر می‌کشند». این گزارش می‌افزاید عمل زیبایی، اکنون در ایران شیک و مد روز به حساب می‌آید و زنان در ایران امکان ندارد یکدیگر را ملاقات کنند، اما از زیبایی و آخرین عمل

^۲ گزارش پایگاه تحلیلی خبری زنان و خانواده: زنان به جراحی زیبایی روی می‌آورند،

چون ... <http://www.mehrkhane.com/fa/news/5010>

^۳ به‌طور کلی گمانه‌زنی‌ها بیش از ۹۰ درصد از مراجعه‌کنندگان برای اعمال زیبایی را زنان می‌دانند و سن آن‌ها را بین ۱۵ تا ۴۵ تخمین می‌زنند.

^۴ بر اساس آمارهای غیررسمی اعلام‌شده، سالانه بیش از ۲۰۰ هزار عمل زیبایی بینی در ایران انجام می‌شود که این رقم هفت برابر تعداد این نوع عمل در ایالات متحده امریکا است. به گزارش انجمن بین‌المللی جراحی زیبایی (ISAPS) در سال ۲۰۱۳ حدود ۱۷۵ هزار عمل جراحی و غیر جراحی زیبایی انجام گرفته است و از این نظر ایران در میان ده کشور اول دنیا است.

^۵ لینک خبر

<http://news.gooya.com/politics/archives/2009/04/086535.php>

^۱ body oriented

زیبایی‌شان صحبتی به میان نیاورند.

تلقى این مطالعه از بدن، زیبایی و جذابیت، گفتمانی و تاریخی است. از این رو این تلقی، یادآور نظریه اکو (۱۳۹۰) است که معتقد بود آنچه زیبا به شمار می‌آید با دوره‌های تاریخی و فرهنگ‌های مختلف ارتباط دارد و زیبایی هرگز مطلق و ثابت نیست و به تناسب دوره تاریخی و سرزمینی خاص، جنبه‌های متفاوتی به خود گرفته است. مبتنی بر این پیش فرض در این مطالعه معتقدیم فرهنگ بدن را باید منظر دانست که به کمک آن تحولات فرهنگی و روند آن‌ها را می‌توان ارزیابی کرد؛ به عبارت دیگر بدن، عرصه‌ای برای بازآفرینی فرهنگی و اجتماعی است و روشن‌کننده روابط قدرت و نحوه تأثیرگذاری آن بر تفاوت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی است (ذکایی، ۱۳۸۶). افزون بر این، هدف از طرح گفتمان‌های بدن، بررسی نقش قدرت‌های موجود و مؤثر در تعیین اجتماعی بدن به عنوان برساختی تاریخی و فرهنگی است (ذکایی و امن‌پور، ۱۳۹۱: ۸۴). این گفتمان‌ها درحقیقت بازگوکننده ویژگی‌ها و خصوصیات تاریخی سازنده بدن بوده و در پی آن هستند که بگویند چه کسی، در چه زمانی و با چه اقتداری امکان صحبت کردن درباره بدن افراد جامعه را دارد، ذهنیت آن‌ها را شکل می‌دهند و معنا و روابط اجتماعی را در این عرصه تعیین می‌کنند. هدف همچنین نشان‌دادن تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی سیاسی و تاریخی و شناختی بر فرایند تولید گفتمان‌های بدن و آشکارکردن رابطه بدن و ایدئولوژی است. با عنایت به مطالب مذکور، در این مطالعه با توجه به اهمیت موضوع بدن به طور کلی و وضعیت مسأله‌گون جراحی پلاستیک و میل روزافزون به دست‌کاری بدن در کشور ایران به طور خاص، تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد تاریخی مستند «دماغ به سبک ایرانی» به کار رفت و تلاش شد بدین پرسش‌ها پاسخ داده شود:

• بدن به‌مثابه امری گفتمانی در این مستند چگونه مفصل‌بندی شده است و فیلم بر کدام یک از گفتمان‌ها راجع به بدن تأکید کرده و کدام را از مرکزیت عزل می‌کند؟

- به‌طور کلی جراحی زیبایی و بدن در مستند دماغ به سبک ایرانی چه بازنمایی‌ای یافته است؟
- فیلم مستند در چه گفتمان اجتماعی‌ای تولید شده و چگونه این فضای گفتمانی در فیلم بازنمایی شده است؟
- موقعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که باعث خلق این محصول رسانه‌ای شده، چه زمینه‌ای است؟

چارچوب مفهومی مطالعه

چارچوب مفهومی این مطالعه و مفاهیم بنیادین آن شامل بدن، مدیریت بدن و جراحی زیبایی و تمایز آن با جراحی پلاستیک و مفهوم گفتمان می‌شود که در ادامه تعریفی از آن‌ها ارائه خواهد شد.

بدن به‌طور معمول به‌صورت مجموعه فیزیکی از گوشت و استخوان‌های ارگانیک درک می‌شود؛ اما در مطالعات فرهنگی، این مفهوم دارای سبک، اجرای نقش و تحت سیطره فرهنگ شمرده شده و به‌صورتی مداوم برای ایفای نقش یا کار بدنی در قالب رژیم‌های غذایی و تمرینات بدنی و جراحی‌های زیبایی فراخوانده می‌شود (بارکر، ۱۳۸۷: ۷۸۶). بدن همچنین تمامی کالبد رؤیت‌پذیر انسانی بدون حذف هیچ‌یک از اجزای آن است. بدن در این معنا، کلیتی به‌هم‌پیوسته است که شامل نظامی از رمزگان و نشانگان است (ذکایی، ۱۳۸۶: ۸۳) که در فرایند تاریخی، درون بافت اجتماعی - فرهنگی خاص خود هستی می‌یابد و به‌شدت به اجزاء و عوامل بافت سازنده خود وابسته است.

مدیریت بدن به‌عنوان یکی از شاخص‌های سبک زندگی به هر نوع نظارت و دست‌کاری مستمر ویژگی‌های ظاهری و آشکار بدن گفته می‌شود که در قالب رویه‌های آرایشی و اعمال جراحی انجام می‌پذیرد (چاووشیان و آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۶۴). تغییر و اصلاح بدن نیز به‌عنوان بخشی از مدیریت بدن، شامل گستره وسیعی از ساز و کارها و اقداماتی است که کنشگر انسانی با کمک ابزارهای گوناگون و به شیوه‌های متفاوت با دخل و تصرف و دست‌کاری در اندام‌های بدن

انجام می‌دهد (ذکایی، ۱۳۸۶:۳۷۳).

جراحی پلاستیک یا جراحی زیبایی: به تعبیر وینمان (2010: 16) جراحی‌هایی که به دلیل ترمیم عضو مجروح شده، ناقص شده و آسیب‌دیده به دلیل سوانح یا آفرینش مادرزادی انجام می‌شود، جراحی پلاستیک نامیده می‌شود. به اعتقاد هایکن^۱ (1997) نیز جراحی پلاستیک، محصول تحولات فناورانه پس از جنگ جهانی اول است که برای بهبود وضعیت جنگ‌زدگان و مجروحان پدید آمد. به دیگر سخن، هدف از جراحی ترمیمی، بازیابی ظاهر و یا متعارف کردن بدن پس از جراحت است. گاه نیز جراحی ترمیمی برای اصلاح نقصی مادرزادی به کار می‌رود؛ اما جراحی زیبایی، جراحی با اهداف تقلید، احیاء و ارتقاء وجوه ظاهری و بصری بدن است. این جراحی دلالت و ضرورت پزشکی نداشته و صرفاً کارکرد زیباسازی دارد و در مورد کسانی مصداق پیدا می‌کند که سالم هستند (Weinmann, 2010)؛ جراحی زیبایی، برخلاف جراحی ترمیمی به دنبال بهترکردن اندامی است که بدون انجام جراحی هم در چارچوب‌های معمول و متعارف می‌گنجد (هیز و جونز، ۱۳۹۲). از این منظر این جراحی‌ها به اعتقاد جونز (2008) وجه انتخابی و گزینشی دارند و از این پس آنچه در این مقاله اشاره می‌شود، جراحی زیبایی و نه جراحی پلاستیک ترمیمی است.

تحولات مفهوم بدن در نظریه جامعه‌شناسی: فقدان بدن و مفهوم پردازی راجع به آن در جامعه‌شناسی به این دلیل بوده است که جامعه‌شناسی به ندرت به انسان تجسّدی^۲ به‌عنوان یک هدف اساسی توجه کرده است و بدن انسانی را در قالب مالکیت شخصی و طبیعی تلقی کرده است؛ اما از اواسط دهه ۶۰ تا اواسط دهه ۷۰ میلادی در پی تغییرات گسترده معرفتی در رشته‌های انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی بدن به‌عنوان رویکردی بین‌رشته‌ای ظهور کرد؛ به عبارت دیگر شکل‌گیری این رشته، محصول درهم‌آمیزی گرایش‌های فکری مختلفی در علوم اجتماعی همچون فمینیسم، پست‌مدرنیسم، مطالعات فرهنگی،

جامعه‌شناسی فرهنگی و روان‌شناسی در دهه ۹۰ میلادی بوده است. وینمان (2010: 44) در این زمینه معتقد است مبحث بدن و بدن‌مندی در علوم اجتماعی در اواخر قرن بیستم مطرح و گشوده شد و بر رابطه بدن و هویت تأکید کرد که هستی‌های متقابل در روند ساخت هویت بودند. این زمینه مطالعاتی، نحوه شکل‌گیری بدن را به‌عنوان جایگاه سلامت، تندرستی، ظاهر فیزیکی و شیوه رفتار متناسب با الزامات قدرت بررسی می‌کند (آلبرو، ۱۳۸۰: ۱۶۴). جامعه‌شناسان به‌طور کلی به پیوند متقابل میان زندگی اجتماعی و بدن تأکید کرده و برای بدن انسان ابعاد گوناگونی برشمرده‌اند که همه آن‌ها را در دو مقوله بدن جسمانی و بدن اجتماعی فرهنگی می‌توان جای داد (اخوت، ۱۳۸۸: ۲۵). مری داگلاس^۳ انسان‌شناس انگلیسی نیز بر اساس سنت مردم‌شناسی، بدن را متنی فرهنگی (یک نشانه اجتماعی) می‌داند که ضمن انعکاس ارزش‌های فرهنگی و اشتغالات و اضطراب‌های یک فرهنگ خاص، تجلی عینی به آن می‌بخشد (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

باومن نیز فرهنگ پست‌مدرن را فرهنگ اهمیت میل به‌جای نیاز، جستجوی حریصانه، دیوانه‌وار و بی‌پایان دستورالعمل برای زندگی، عدم قطعیت، ناپایداری، تغییرات و دگرگونی مداوم و سریع، هیجان‌های مداوم و بازتولید و ابداع خود می‌داند (Bauman, 2000:74; 2005:152). وی معتقد بود در گفتمان پسامدرن، هویت به‌عنوان امری نامتعیّن، غیرقطعی، متغیر و برساخت‌شدنی است. به‌زعم باومن هویت، مستلزم فرایند آزمایش و خطا است و معیاری برای ارزیابی آنکه این فرایند متحقق‌سازی هویت رو به پیشرفت است یا نه، وجود ندارد. به اعتقاد باومن آنچه امروزه هویت عاملان را شکل می‌دهد، فرایند مداوم و غیرخطی «شکل‌دهی نفس» در قالب بدن است. بنا بر نظریه باومن، فرایند «مونتاز نفس» انباشتی و تراکمی نیست، بلکه مبتنی بر گردآوری، اخذ ویژگی‌های جدید و دورریختن ویژگی‌های قدیم و فرایند مداوم یادگیری و فراموشی است (درباره الگوها و رویه‌ها). علاوه بر این

¹ Haiken

² Embodied human

³ Marry Douglas

موقت فروکش کردنی است. وی می‌افزاید همواره می‌توان تقصیر را به گردن انتخاب اشتباه انداخت.

باتلر (1993) همچنین به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان پسامدرن در فضایی فوکویی می‌گوید گفت‌مان‌ها، بدن‌ها را تعریف، برساخت و تولید می‌کنند و با گفت‌مان‌ها ما به چستی بدن‌ها پی می‌بریم (گفت‌مان‌ها و تحقق بدن‌ها جدایی‌ناپذیر هستند). وی معتقد است مقولهٔ جنس از همان آغاز هنجار است و بخشی از عمل قاعده‌بخشی است که بدن‌های تحت امر خود را تولید می‌کند. به اعتقاد باتلر، جنس برساخته‌ای ایده‌آل است که به‌شکلی منعطف و در خلال زمان تحقق پیدا می‌کند. همچنین باتلر می‌افزاید جنس و جنسیت، اجرایی هستند و از خلال اجرا شدن، برساخته می‌شوند (بارکر، ۱۳۸۷: ۵۳۴). درحقیقت درآوردن ادای هنجاری جنسیتی، پوشیدن لباس‌ها، سبک لباس پوشیدن، سنت‌های زبانی، راه‌رفتن همگی نوعی اجرا (یا نمایش آموخته‌شده) جنسیت هستند. به‌طور کل باتلر بر این عقیده است که ما یاد نمی‌گیریم مرد یا زن بشویم، بلکه می‌آموزیم همچون مردان یا زنان عمل کنیم. درحقیقت هویت جنسیتی، بازی یا ایفا می‌شود.^۳ باتلر معتقد است جنسیت همواره واجد معانی متعدد، متعارض و متغیر بوده و هویت جنسی، پدیده‌ای بی‌ثبات است و این مقوله، موضع کشمکش جاری اجتماعی است. باتلر معتقد است بدن به‌مثابه امری که همیشه چارچوب‌بندی می‌شود و با چارچوب‌بندی‌اش جان می‌گیرد، همواره در حال مادیت‌یافتن است و این فرایندی مداوم و تکراری است. به اعتقاد باتلر ما اصلاً یک‌باره تجسد نمی‌یابیم و بدن‌ها همواره در حال نوسازی است (گین، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

تحولات گفت‌مانی بدن در ایران

بدن از منظری گفت‌مانی، رسانه‌ای است که روابط قدرت و سرکوب را در خود مستقر دارد و در تعامل مستقیم و مستتر با بدن اجتماعی قرار دارد. بدین‌سان، فرهنگ بدن منظری است که به کمک آن، رابطهٔ متقابل بین افراد و قدرت‌های موجود

باومن معتقد است یگانه موضعی که تداوم و آثار فعالیت‌های شکل‌دادن نفس را در آن می‌توان مشاهده کرد، جسم بشری است (وی معتقد است پلاستیکی شدن بدن‌های ترمیم‌شده، نمودی از سیالیت پسامدرن است). این سازهٔ ثابت در میان هویت‌های متغیر و ناپایدار، ظرف مادی و حامل کل هویت‌های گذشته، حال و آینده است. بر همین اساس، باومن معتقد است پرورش جسم و ایجاد تغییرات در آن یکی از ابعاد محوری موتاژ نفس در عصر پسامدرن ذیل محور اساسی «سیاست میل» است^۱ (جلایی‌پور، ۱۳۸۷: ۴۴۴-۴۳۷).

باومن (2003: 94-97) همچنین با استناد به نظریهٔ هویت جنسی جویدیت باتلر اشاره می‌کند که این گفت‌مان‌های مختلف حاکم بر فضای جامعه هستند که جنسیت افراد را شکل می‌دهند، به‌گونه‌ای که جنسیت افراد در نقش‌ها، رفتارها، حرکات بدن، برخوردها بروز پیدا می‌کند. وی معتقد است جنسیت را فرهنگ تعیین می‌کند و فارغ از هرگونه ماهیت طبیعی، ماهیتی تغییرپذیر، موقت و واژگون‌شونده دارد. هویت‌های جنسی نیز به همین شکل انعطاف‌پذیر، تغییردانی، ناپایدار، ناکامل و غیرنهایی و وابسته به انتخاب سوژه یا شخص هستند و ویژگی‌های طبیعی بیشتر از قبل تابع دست‌کاری و گشوده به روی انتخاب قرار گرفته است؛ بنابراین فرد انتخاب‌کننده باید در برابر آن احساس مسؤولیت کند و دیگران هم او را نسبت به این انتخاب مسؤول بدانند. باومن معتقد است به همین دلیل انسان دارای جنسیت، آکنده از اضطراب، نگرانی بوده و محکوم است که همواره ناقص و ناراضی بماند.^۲ باومن معتقد است عدم قطعیتی که به جان انسان دارای جنسیت در مدرنیتهٔ سیال افتاده است، فقط به‌طور

^۱ باومن (2013: 115) همچنین در نگاهی انتقادی بر این اعتقاد است که محسوب کردن انتخاب آزاد در راهبرد نوین بازاریابی یا به‌طور دقیق‌تر عرضهٔ داوطلبانهٔ بردگی و پایدار نگاه‌داشتن تسلیم به شکل نوعی پیشرفت در آزادی و خودمختاری فرد انتخاب‌کننده، مصداقی از «فتیشیسم ذهنی» است.

^۲ به باور بوردو (۱۳۹۲) جراحی زیبایی با بالا بردن تدریجی معیارهایی که بر اساس آن، بدن و چهرهٔ زنان مطلوب شناخته می‌شود، به یکی از عوامل رنج و عذاب آن‌ها تبدیل شده است. ماهیت تبلیغات و سرمایه‌داری مصرف‌گرا این است که نمی‌گذارد انسان به آرامش برسد.

^۳ Performative Theory of Gender

اجتماعی را می‌توان ارزیابی کرد. بدن در گفتمان پیشامدرن جامعه ایرانی، تابع گفتمان سنت و دین بود، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت آموزه‌های دین و سنت دینی، سایه خود را بر مقولات جسمانی انداخته است (آزاد ارمکی و غراب، ۱۳۸۷: ۱۲۰). و هنجارهای دینی، پیوندی مستقیم با بسیاری از رفتارها و هیجان‌های ما برقرار کرده‌اند و این گفتمان نقشی کنترل‌کننده در بسیاری از پروژه‌های بدنی دارد. در گفتمان دینی، بدن، ودیعه الهی، مرکب روح و وسیله‌ای برای سعادت و عبادت است و خداوند مالک اصلی آن محسوب می‌شود و انسان حقّ مطلق بر بدن خود ندارد و هرگونه دخل و تصرف در آن که موجب آسیب و درد باشد، از دیدگاه اسلام مطرود و ممنوع است و نه تنها مجوزی برای آن صادر نشده است، بلکه احکام قطعی در مورد نهی و پرهیز وجود دارد (ذکایی و امن‌پور، ۱۳۹۱: ۹۵). اما گفتمان مدرنیته از بطن گفتمان مشروطه برخاست و تحولاتی را در ارتباط با بدن‌ها پدید آورد. در این دوران، طبقه متوسط و تحصیل‌کرده شهری، مشاغل دولتی و نبض فرهنگی جامعه را در اختیار گرفت. به‌طور کلی با انقلاب مشروطه و تعاملات بیشتر با دنیای غرب، دانش جدید پزشکی به ایران رسوخ کرد و به تدریج مفاهیم سلامت و بیماری از مضامین معنوی و فرامادی عاری شد. در این زمانه وضع قوانین و مقررات جدید، شکل‌گیری نهادهای جدید چون مدرسه و بیمارستان، رشد طبقه متوسط و گسترش فضاهای شهری، شرایط جدید و متفاوتی را برای انضباط‌بخشی و مدیریت بدن فراهم کرد که خود محرکی برای ترویج ارزش‌های فردگرایانه به شمار می‌آمد؛ به دیگر سخن، در دوره پهلوی و پیش از انقلاب اسلامی با تغییر معیارها و ارزش‌های زیبایی‌شناسانه که عموماً از فضای فرهنگی غربی جاری تأثیر می‌گرفت، ایدئال‌های جدید به تدریج جایگزین ایستارهای سنتی پیرامون بدن شد (ذکایی و امن‌پور، ۱۳۹۳: ۳۵۳).

ایران در سال‌های پس از انقلاب شاهد سادگی مفرط بود (ذکایی و فرزانه، ۱۳۸۷). درحقیقت دهه شصت در ارتباط با بدن

و ظاهر، دهه سادگی و اولویت باطن و روح بر جسم بود. در این دوره متأثر از گفتار و رهبری امام خمینی و رخداد انقلاب اسلامی، دنیاگریزی، ایثار و ازخودگذشتگی به مرکز گفتمان این دهه آمد. گفتمان این دهه با دفاع از وضع موجود و تبعیت نکردن از دنیا و امیال دنیوی همراه بود که حسینی (۱۳۹۲) از آن با عنوان «گفتمان تن‌زدودگی» یاد می‌کند. در ارتباط با بدن زنانه به باور کاشی و ستوده (۱۳۹۲) جامعه انقلابی و گفتمان حاکم بر جامعه‌ای عاری از هرگونه وجوه جنسی تن زنانه بود و بر جامعه پاک تأکید داشت و زن با دال‌هایی مانند عفت، پاک‌دامنی، شرافت و اسلام پیوند می‌خورد (کاشی و ستوده، ۱۳۹۲: ۸۸). البته نتایج مطالعه صادقی و نیک‌خواه (۱۳۹۱) مبین آن است که زن در آینه کلام امام خمینی در پیوند با مقولاتی چون ارزش‌های اسلامی، انسانیت، آزادی، برابری، شجاعت، حق و حتی مشارکت در تعیین سرنوشت خود و برخلاف دو نظام معنایی سنتی و مدرن به‌عنوان سوژه‌های فعال، آگاه، انتخابگر و مسؤول شناخته شده است؛ اما حادثه جنگ تحمیلی در ارتباط با گفتمان بدن و جراحی‌های پلاستیک، نقطه عطفی به حساب می‌آید. بدین صورت که واقعه جنگ باعث افزایش تقاضا برای استفاده از اندام‌های پروتز و جراحی پلاستیک برای ترمیم و اصلاح اندام‌های آسیب‌دیده و از بین‌رفته جانبازان و مجروحان جنگ شد. چنین وضعیتی رشد و پیشرفت در خور توجه مهندسان پزشکی و جراحان پلاستیک را در بازسازی و ترمیم اندام‌های مصدوم در پی داشت.

کشور ایران پس از رحلت امام و ریاست جمهوری هاشمی وارد دروان جدیدی شد. در این دوران، چهره شهرها دگرگون شد و دولت به‌گونه‌ای فزاینده، آینده‌ای مملو از رفاه و توسعه اقتصادی و وفور را نوید می‌داد. تحولات در دهه هفتاد به عرصه اقتصادی محدود نشد و در عرصه فرهنگی نیز تحولاتی مانند افزایش میزان دانشجویان، گشایش دانشگاه آزاد اسلامی و افزایش استفاده از رسانه‌های جمعی رخ داد. در گفتمان دهه هفتاد به‌طور کلی دال‌های دنیوی مانند ثروت در

فرهنگی بودن انسان‌ها در اجتماع و گفتمانی دیدن کردارهای اجتماعی می‌توان اشاره کرد. در واقع تمامی این رویکردها، دانش ما به جهان خارج را بازتابی صرف از واقعیت نمی‌دانند، بلکه آن را محصول مقوله‌بندی جهان یا محصول گفتمان می‌دانند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۸). تحلیل گفتمان در پی آن است که نشان دهد چگونه افراد از زبان برای برساختن دیدگاه خود درباره جهان اجتماعی استفاده می‌کنند.

تحلیل گفتمان خود رویکردهای متفاوتی را شامل می‌شود که یکی از آن‌ها تحلیل گفتمان انتقادی است. رویکرد انتقادی رهیافتی میان‌رشته‌ای به مطالعه گفتمان است که زبان را به منزله شکلی از رویه یا کردار اجتماعی می‌بیند و توجه خود را صرف آشکارسازی شیوه سلطه اجتماعی و سیاسی می‌کند که در متن و گفتار وجود دارد (فرقانی و اکبرزاده، ۱۳۹۰: ۱۳۵). در این رویکرد، صاحب‌نظران بر آن هستند که در تحلیل متن‌ها افزون بر جنبه‌های صوری و واژگانی، عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نقش دارند. در واقع پیروان این رویکرد آنجا که متون تحلیلی را بررسی می‌کنند، آن متون را سرشار از اظهارات فراواقع می‌دانند که حقیقت در پس آن‌ها نهفته است و این متن گفتمانی است که با بازتاب نظام‌های رفتاری و اجتماعی، سندی تاریخی به شمار می‌آید (قبادی، ۱۳۸۸)؛ بنابراین گفتمان سعی در متقاعدسازی با راهکارهایی ویژه دارد که تحلیل گفتمان انتقادی در پی افشا و واسازی آن است.

رویکرد گفتمان تاریخی وداک: این مطالعه، در سنت برساختی، روش تحقیق کیفی و تحلیل گفتمان انتقادی، متن خود را تحلیل خواهد کرد. افزون بر این، رهیافت نظری مطالعه، رهیافت جامعه‌شناسانه و مطالعات فرهنگی خواهد بود. اهمیت سنت مطالعات فرهنگی به دلیل توجه به پیوند متقابل ابعاد اجتماعی فرهنگی و جسمانی تجارب انسانی است و مطالعات فرهنگی به بدن، تأثیرات نظام‌های مختلف سیاسی و فرهنگی بر سیاست بدن، تغییرپذیری آن‌ها بر اساس هویت‌های قومی و زبانی و نژادی، سیاسی و ایدئولوژیک

تضاد با ارزش‌ها قرار گرفت و گفتمان دنیامحوری و فردگرایی به تدریج زمینه بروز و نمود یافت (حسینی، ۱۳۹۲: ۸۹). به باور حسینی (۱۳۹۲: ۲۱۹) نتیجه این تحولات و دیالکتیک‌های گفتمانی، «گفتمان امیال شهری» است که دال‌های محوری آن بازسازی مفهوم زن، حاکمیت قانون، رفاه، ارزش دنیوی، زندگی تجملی، رنگ‌باختن ارزش‌های جنگ و کالایی‌شدن ارزش‌ها است. بدن در دوره پسا جنگ با به‌مرکزآمدن دال‌هایی مانند برابری، مردم، آزادی و فردیت، کالبد جسمانی، خود را به مثابه ابزاری برای اثبات خود و هویت مطرح کرد.

اما گفتمان دهه هشتاد متأثر از دوره دوم ریاست جمهوری محمد خاتمی، افول گفتمان اصلاح‌طلبانه، ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد و تغییرات تابع آن و مبارزه با فقر، فساد، تبعیض و برقراری عدالت توزیعی است. به اعتقاد حسینی (۱۳۹۲: ۲۹۵) گفتمان این دهه را «بگذار زندگی کنم» می‌توان نام نهاد. این گفتمان که با تقویت امیال شهری و کالایی‌شدن ارزش‌ها عینیت یافته، در صدد است به بازتفسیر دال‌های محوری دهه شصت مانند رزمنده و ارزش‌ها و بازتفسیر دال‌های مهم گفتمان اصلاحات مانند توسعه سیاسی دست بزند.

روش مطالعه

یورگنسن و فیلیپس (۱۳۸۹) گفتمان را شیوه خاصی برای سخن‌گفتن درباره جهان و فهم آن می‌دانند. شیوه‌های سخن‌گفتن درباره جهان، هویت‌ها و روابط اجتماعی به واسطه زبان، واقعیت را به شکلی خنثی بازتاب نمی‌دهند، بلکه نقشی فعال در ایجاد آن‌ها و تغییرشان دارند. از نظر این دو متفکر، تحلیل گفتمان صرفاً یکی از چند رویکرد موجود برساخت‌گرایی اجتماعی است؛ بنابراین پیش‌فرض‌هایی هم که در تمامی این رویکردهای مختلف مشترک هستند، در تحلیل گفتمان نیز صادق است. از مهم‌ترین این پیش‌فرض‌ها به رویکرد انتقادی به دانش بدیهی انگاشته‌شده و تاریخی و

چارچوب‌های نهادی و ساختارهای اجتماعی (کردارهای گفتمانی درون آن‌ها جای می‌گیرند) مفروض می‌گیرد. وی برای عملیاتی کردن رویکرد تاریخی-گفتمانی خود، به پنج استراتژی گفتمانی ارجاعی^۲، گزاره‌ای^۳، استدلالی^۴، منظرسازی^۵، تشدید یا تخفیف^۶ اشاره می‌کند که هر یک در بازنمایی مثبت خود و منفی دیگری در قالب منازعات گفتمان‌های رقیب به کار گرفته می‌شود. استراتژی‌های ارجاعی یا انتسابی، طرح‌های زبان‌شناختی چون مقوله‌بندی، عضویت، استعاره و مجاز است که برای درون‌گروه یا برون‌گروه‌سازی به کار می‌رود. استراتژی گزاره‌ای، ویژگی‌های مثبت یا منفی رفتارها را کلیشه یا تخمین می‌زند و خصوصیات کم و بیش مثبت یا منفی کنشگران اجتماعی را نام‌گذاری می‌کند. استراتژی استدلالی برای توجیه تحسین‌آمیز یا تحقیرآمیز، طرد یا دربرگیرندگی افراد به دلیل ویژگی‌های مثبت یا منفی آن‌ها به کار گرفته می‌شود. استراتژی منظرسازی، قالب‌دهی یا معرفی گفتمان را با استفاده از گزارش، توصیف، روایت یا برجسته‌سازی گفتارها و رویدادها بررسی می‌کند. استراتژی‌های تشدید و تخفیف در پی آن هستند که نیروهای غیرکلامی مؤثر گفتارها را افزایش یا کاهش دهند و این کار، معمولاً با معرفی ساختارهای معرفت‌شناختی متون انجام می‌شود. در واقع این استراتژی‌ها به طرح‌های عامدانه کردارهای گفتمانی اشاره دارد که با هدف سیاسی، اجتماعی، روان‌شناسی و زبان‌شناسی خاص اتخاذ می‌شوند و هر یک در سطوح متفاوت پیچیدگی و سازمان زبان‌شناختی جای دارند (Wodak, 2001; Wodak & Weiss, 2003).

اما به لحاظ روشی و تکنیکی برای پیشبرد روش تحلیل گفتمان انتقادی و عملیاتی کردن آن در موضوعات فرهنگی و اجتماعی و بررسی متن در چارچوب بافت و زمینه اجتماعی، سه مرحله توصیف متن، تفسیر متن و رابطه بین متن و بافت

توجه می‌کند (ذکایی، ۱۳۸۶: ۶۵). همچنین گفتنی است پیچیدگی و گستردگی مضامینی که مطالعات فرهنگی با آن‌ها سر و کار دارد و نگاه بینارشته‌ای حاکم بر آن، جهت‌گیری روش‌شناختی آن را نیز پیچیده، متنوع، چندوجهی و متکثر می‌کند (ذکایی، ۱۳۸۶: ۷۵) و این امر با رویکرد گفتمانی انتقادی و وجه بینارشته‌ای آن قرابت پیدا می‌کند.

ولودویگ و وداک (201: 271-280) معتقدند تحلیل گفتمان انتقادی نه یک نظریه همگون با مجموعه‌ای از ابزارهای تعریف‌شده بلکه برنامه‌ای پژوهشی با وجوه متعدد و رهیافت‌های مختلف نظری و روشی است؛ به بیان دیگر تحلیل گفتمان انتقادی به شاخه‌های مختلفی مانند نشانه‌شناسی اجتماعی، رویکرد اجتماعی-شناختی و رویکرد گفتمان تاریخی تقسیم می‌شود. این مقاله در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی بر تحلیل گفتمان تاریخی^۱ وداک تکیه دارد. روث وداک به عنوان یکی از صاحب‌نظران تحلیل انتقادی گفتمان، گفتمان را امتزاج پیچیده‌ای از کنش‌های گفتمانی می‌داند که به‌طور همزمان و پی‌درپی با هم مرتبط هستند و خود را درون و میان حوزه‌های اجتماعی کنش، ژانرها، نشانه‌ها و متون گفتاری یا نوشتاری نشان می‌دهند. به اعتقاد وداک (-11: 2001) تحلیل گفتمان در پی نشان‌دادن آن است که نهادهای اجتماعی چگونه گفتمان‌ها را می‌سازند و متقابلاً به چه شیوه‌هایی گفتمان‌ها، نهادهای اجتماعی را می‌سازند، کارکرد ایدئولوژی در نهادهای اجتماعی چگونه است و دستیابی به قدرت و حفظ آن به چه ترتیب است. تحلیل گفتمان انتقادی در رویکرد تاریخی به عنوان روشی برای تحلیل متن برخلاف تحلیل‌های فرکلاف (۱۳۸۷) زبان‌شناسانه صرفاً با عناصر نحوی تشکیل‌دهنده جمله سر و کار ندارد، بلکه فراتر از آن، عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی را بررسی می‌کند. وداک با در نظر گرفتن زبان به عنوان شکلی از کردار اجتماعی، رابطه‌ای دیالکتیکی میان کردارهای گفتمانی - زبانی و حوزه‌های خاص عمل را از جمله موقعیت،

² Strategies of Nomination

³ Strategies of Predication

⁴ Strategies of Argumentation

⁵ Strategies of Perspectivation

⁶ Strategies of Intensification and Mitigation

¹ Historical Discourse Analysis (HDA)

است و لزوماً سوگیرانه؛ چون آن محصول گفتمانی به‌دنبال برجسته‌ساختن معنایی خاص و به حاشیه‌راندن معنایی خاص دیگر است (سلطانی، ۱۳۸۶: ۴)؛ به‌بیان‌دیگر نظام یا نظام‌های گفتمانی حاکم بر جامعه، حوزه فرهنگ را تولید می‌کنند و محصولات فرهنگی تولیدشده مانند تصاویر نظام گفتمانی حاکم بر جامعه را تقویت و بازتولید می‌کنند و به‌برساخت دیدگاه خاصی توجه می‌کنند.

مستند به‌ویژه مستندهای اجتماعی-سیاسی به‌علت ارتباط تنگاتنگ با ساختارهای قدرت در زمره متون رسانه‌ای مورد توجه مخاطبان رسانه‌های دیداری و شنیداری است (علوی، ۱۳۹۲). مستند «دماغ به سبک ایرانی» ساخته مهرداد اسکویی^۱ و محصول سال ۱۳۸۵ است. فیلم مستند در این مقاله، یک گفتمان‌گونه (ژانر^۲) مستقل را تشکیل می‌دهد. همچنین می‌توان گفت تصاویر آرشیوی دوران جنگ، تصاویر شبکه‌های ماهواره‌ای و تصاویر سردر سینماها از دیگر ژانرهای موجود در متن است. در این ژانر گفتمانی، فیلم‌ساز یک مسئله اجتماعی یعنی گرایش روزافزون به جراحی زیبایی در جامعه ایرانی را به‌عنوان یک کردار گفتمانی با مدیوم رسانه در قالب مستند بازنمایی می‌کند. مدت‌زمان مستند ۵۹ دقیقه است و فیلم سعی دارد با تمرکز بر چهره و صورت در ایران و به‌صورت جزئی جراحی بینی در ایران، نظرگاه‌ها و رویکردهای مربوط را بررسی و تجربیات مبادرت‌کنندگان بدین عمل و متصدیان دیگر را فراهم کند. در مورد اهمیت این مستند می‌توان گفت «دماغ به سبک ایرانی» مستندی است که تنها به «بیان مسئله» جراحی زیبایی بینی اکتفا نمی‌کند و دوربین به‌مثابه «قلم یک پژوهش‌گر اجتماعی» کنکاش کرده و

اجتماعی باید انجام شود (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۱۶۸). در سطح توصیف که در واقع در سطح متن باقی می‌ماند، توجه به انتخاب نوع واژگان، کاربرد اسامی خاص و دستور زبان مدنظر قرار می‌گیرد. در سطح تفسیر با جنبه‌های بینامتنی و تاریخی متن سر و کار داریم. در این قسمت سعی می‌شود با دانش زمینه تولید متن و نسبت گفتمان با ساختارهای اجتماعی به سطح تبیین راه یافت. در واقع در مقام تبیین توجه اصلی به نگاه ایدئولوژیک نویسنده در تقابل یا تأیید گفتمان موجود در جامعه و قدرت است که این مرحله با تکیه بر دو مرحله توصیف و تفسیر به دست می‌آید (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵) سپس باید تلاش شود به بافتار موقعیتی یک عمل و کردار اجتماعی توجه شود. وداک همچنین با تأکید بر ضرورت تثویزکردن، توصیف ساختارها و فرایندهای اجتماعی خالق متن و سوژه‌های اجتماعی-تاریخی استدلال می‌کند همه اطلاعات پس‌زمینه‌ای (تاریخی) برای تحلیل و تفسیر لایه‌های گوناگون متن گفتاری یا نوشتاری به‌طور نظام‌مندی باید به هم گره زده شوند.

متن مورد تحلیل

بی‌تردید در دوران معاصر که مجموعه‌ای از فناوری‌های تصویری ما را احاطه کرده است، تصویر و امر دیداری اهمیت بسیاری یافته است و با رایج‌شدن فناوری‌های رسانه‌ای که به تولید و عرضه تصاویر توجه می‌کنند، به بررسی محصولات تصویری بیش‌ازپیش دقت شده است (سیلورمن، ۲۰۰۱: ۹۸ به نقل از فرقانی و اکبرزاده، ۱۳۹۰: ۱۳۰). در این مقاله با تأکید بر اهمیت فرهنگ تصویری و بازنمایی‌های رسانه‌ای و پذیرش این پیش‌فرض که نظام گفتمانی حاکم بر جامعه، محصولات فرهنگی مانند فیلم‌های سینمایی (در اینجا مستند) را تولید می‌کند، تلاش خواهد شد مستند «دماغ به سبک ایرانی» تحلیل و واکاوی شود.

با درنظرگرفتن جامعه به‌مثابه فضایی گفتمانی می‌توان گفت هر آنچه در جامعه تولید می‌شود، تحت تأثیر قدرت

^۱ اسکویی، مستندساز مستقلی است که تاکنون ۶۰ جایزه داخلی و بین‌المللی به دست آورده و از سال ۱۳۶۷ ساخت فیلم مستند را پیش برده است. از آثار معروف او می‌توان به «از تاریخ او» و «از پس برقع» اشاره کرد.

^۲ ژانر (genre)، یا به تعبیر یارمحمدی (۱۳۸۰) گفتمان‌گونه به متنی اطلاق می‌شود که هدف ارتباطی خاصی را برآورده می‌سازد. کرس (۱۹۸۵)؛ در حثیم و میسن، ۱۹۹۰: ۶۹ نیز گفتمان‌گونه را متنی می‌داند که به‌شکلی قراردادی نقش‌ها و اهداف ویژه‌ای را در موقعیت‌های اجتماعی خاصی منعکس می‌کنند.

تحلیل داده‌ها

اشاره به متون، موضوعات، مضامین و گفتمان‌های متن در سطح اول یعنی توصیف بر اساس گفتمان‌های کلان شناسایی شده متن به شرح زیر است:

بدین منظور با شخصیت‌های حقیقی و حقوقی گفتگو می‌کند و به دنبال «کشف فراگیری جراحی زیبایی بینی در جامعه ایران» است (سیارپور، ۱۳۹۲). همچنین دوران (۱۳۸۷) معتقد است این مستند نشان می‌دهد مهرداد اسکویی نه تنها از شامه تند و تیزی نسبت به فعل و انفعالات جامعه خود برخوردار است که در عین حال، روشن بینی خوبی هم دارد؛ زیرا در غیر این صورت نمی‌توانست به ژرفای پدیده دست یابد و جست‌وجویش در حد نگاه کنجکاو ولی ساده‌انگار توریستی خارجی متوقف می‌شد.

گفتنی است در میان اندام انسانی، چهره بیشترین تراکم از بالاترین ارزش‌ها را در خود گرد می‌آورد. در چهره احساس هویت تبلور می‌یابد، بازشناسی دیگری انجام می‌شود و قابلیت‌های جذابیت تثبیت می‌شود (بروتون، ۱۳۹۲: ۱۰۳-۱۰۲). در فرهنگ ایرانی نیز چهره، محل تمرکز ارزش‌های زیبایی‌شناسانه به شمار می‌رود و از سوی دیگر، در مقایسه با سایر اجزای بدن، با محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های اخلاقی کمتری مواجه است (ذکایی و امن‌پور، ۱۳۹۱: ۴۱۵). متن مورد تحلیل در این مقاله نیز بر یکی از همین اجزاء و در پهنه صورت متمرکز است؛ یعنی دماغ. عکاسی در فیلم مستند در تشریح اهمیت بینی می‌گوید: «انقلاب ایران باعث پنهان شدن بدن زن و تأکید بر چهره شد؛ زیرا زنان، دیگر موی خود و سر خود را نمی‌توانستند آرایش کنند؛ در نتیجه تأکیدات بیشتر بر قرص صورت و بینی متمرکز شد» همچنین درآمد دختری جوان محدودیت در زیبایی و جذابیت در سایر ارکان بدن زنانه را دلیل گرایش بیش از حد و حصر بر عنصر صورت و به‌طور خاص بینی می‌داند. پژوهشگران این عطف توجه و گرایش را با عنوان «قدسی‌سازی صورت^۱» مطرح کرده‌اند (ذکایی و امن‌پور، ۱۳۹۱: ۴۱۶).

^۱ ذکایی و فرزانه (۱۳۸۷) در بخش یافته‌های مقاله‌شان بدین مسأله اشاره کرده و گفته‌اند که برخی از زنان به دلیل ملاحظات شرعی و عرفی و در پوشش‌بودن اندام، بیشتر به جراحی ناحیه صورت و بینی متمایل هستند. همچنین بهار و وکیلی (۱۳۹۰: ۷۳) معتقدند فاعلان اجتماعی برای تحقق اهدافشان از صورت به‌عنوان در معرض دیدترین و

مظاهرانه‌ترین قسمت بدن در ارتباطات اجتماعی و مجرای ارتباطی در استفاده از زبان غیرکلامی، استفاده می‌کنند.

جدول ۱- گفت‌مان‌های موجود در فیلم مستند

نهاد مدرسه				
متن فیلم	استراتژی	توپوی ^۱	تحلیل اولیه	ملاحظات دیگر
الآن دماغ دیگه د مده شده. بینی شون رو عمل کردن، گونه شون و پلک شون رو عمل کردن، دیگه جایی نمی مونه، باید برسن به بدن و اینا. (یک دانش آموز)		تنوع جویی	رقابت اجتماعی در سیر زیباسازی بدن و جذاب ساختن جسم. بدل شدن زیبایی به ارزشی جمعی و اجتماعی	همخوان با سنخ سوم در مطالعه آزادارمکی و غراب ^۲ (۱۱۶:۱۳۸۷) دختر مادی ^۳ بوردو (۱۹۹۳)
شما خودتون شخصاً از دیدن زیبایی لذت نمی برید؟ گل زیبا رو می بینید لذت نمی برید؟ مسلماً لذت می برید. این حس زیبایسندی هم توی من وجود داره، توی همه بچه‌های کلاس مون وجود داره. مسلماً ما همه مون زیبایی رو دوست داریم. منم شخصاً آگه دماغم مورد داشته باشه، عمل می کنم (یک دانش آموز)	۱- استدلالی ۲- تعمیم و ابهام (نامشخص سازی)	توپوی زیبایی پسندی و عام جلوه دادن آن	رفیع پور (۱۳۸۲) معتقد است همواره یکی از منابع ارزش‌های اجتماعی، نیازهای اشخاص است. در اینجا نیز شاهد بودیم که گزاره‌های دختران دبیرستانی رابطه‌ی بین ارزش اجتماعی زیبایی و گرایش به زیبایسندی و جذابیت را به‌عنوان نوعی نیاز اصلی و محوری بر می‌سازند.	دال «مسلماً» بر قطعیت آن صحنه گذاشته و گوینده سعی در نوعی تعمیم‌دهی ایده‌ی خود دارد و به همین منظور از لفظ «همه انسان‌ها»، «همه‌ی بچه‌های کلاس» و استفاده می‌کند. کلمه «شخصاً» دلالت بر فردیت ویژه دارد ^۴
۱- تو سال ۸۵ ما شنیدیم که واسه‌ی هر یه دونه پسر، ده تا دختره، بالاخره هر کی زیباتر بود زودتر انتخاب میشه. (یک دانش آموز) ۲- به نظر من الآن دخترها توی ایران اعتماد به نفس شون رو از دست دادن ^۵ ، نباید به پسرها توجه کنن. آگه به عمل کردنه، پسرها اولین نفرهای هستن که باید برن عمل کنن ^۶ (یک دانش آموز)			تمایل به جراحی زیبایی بینی به دلایلی مانند، افزایش جذابیت جهت و ارتقای شانس ازدواج. زیبایی ابزاری برای حصول قدرت زنانه. زیبایی زن در برابر قدرت و منزلت و ثروت مرد معامله می‌گردد. زیبایی پادشاه آور و قدرت بخش است (مک اروین ابولان، ۱۳۸۱؛ به نقل از ذکایی و فرزانه، ۱۳۸۷). هراس از حذف و طرد اجتماعی	درونی شدن سلطه‌ی مذکر با همکاری خود زنان. بدن میانجی حصول امتیازات اجتماعی. جراحی نوعی عمل اعتماد به نفس‌ساز (احیای اعتماد به نفس تخریب و تضعیف شده زنان ^۷) است؛ اعتماد به نفسی ناظر بر حوزه عمومی و نه خصوصی (آزادارمکی و غراب، ۱۳۸۷).

^۱ از منظر وداک، توپوی (Topoi) براهین یا احتجاجاتی هستند که برای بهتر بیان کردن یه به نتیجه رسیدن استنتاج‌ها بکار گرفته شده و امکان گذر از مقدمات به نتیجه را برای سخنگو یا سوژه گفت‌مانی فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر توپوی‌ها، گذار از ادعا یا مباحثه‌ی گفت‌مانی به نتیجه‌گیری را فراهم می‌کنند (وداک، ۲۰۰۱).

^۲ انسان چیزی جز جسم و بدنش نیست و در نتیجه این گروه بدن را عیناً مترادف با هویت می‌داند. آنان خود را با بدن‌شان این‌همانی ساخته و یکی می‌دانند

^۳ Material girl

^۴ این گفتار یادآور نظریه دورکیم است که معتقد بود: بدن عامل فردیت یافتن است (بروتون، ۱۳۹۲: ۳۷)

^۵ گیدنز، جامعه‌شناس معاصر انگلیسی، معتقد است زنان به‌ویژه بر اساس ویژگی‌های جسمانی‌شان قضاوت می‌شوند و احساس شرمساری نسبت به بدن‌شان رابطه‌ای مستقیم با انتظارات اجتماعی دارد.

^۶ این گفتار بیانگر آن بوده که مرز جنسیتی در جراحی زیبایی امجا شده و دیگر عمل زیبایی بینی در انحصار زنان و دختران جوان نیست و این گویای تغییر در فضای گفت‌مانی جامعه در سطوح طبقه متوسط در ارتباط با بدن و دخل و تصرف در آن و تغییر در معیارها و رمزگان مردانگی است. همانطور که سام نیز در این مستند پیش از جراحی بر تخت بیمارستان نشسته و منتظر عمل زیبایی است. وی توضیح می‌دهد که منتظر رسیدن لحظه بعد عمل بوده تا ببیند که آیا «خوشگل و تودل‌برو» می‌شود یا خیر.

^۷ مطالعه ذکایی و فرزانه (۵۲:۱۳۸۷) نیز با این اشاره همخوانی دارد. در مطالعه‌ی ذکر شده کمبود اعتماد به نفس زنان و احساس فشار اجتماعی از سوی مردان، جامعه و خانواده منجر به نارضایتی از بدن و دخل و تصرف در آن در بین نمونه‌ی تحقیق شده است.

نهاد پزشکی				
متن فیلم	استراتژی	توبوی	تحلیل اولیه	ملاحظات دیگر
به ما مراجعه می‌کنن می‌گن اینجای دماغم کج، قوز داره، شوهرم میگه بده، طلاقم دادن، دخترم مونده رو دستم، میگن دماغش بزرگه، ما درواقع داریم یک روان‌پزشکی به اصطلاح یک ساختار نژادی انجام میدیم با چاقو ^۱ (پزشک متخصص) ۲- این موارد توی عمل درست میشه. اکثر مواقع هم مریض‌های من میگن: نتیجه بهتر از طراحی اولیه شده. (پزشک متخصص)	۱- نام‌دهی (روان‌پزشک، اصلاح ساختار نژادی) ۲- استدلالی	تخصص، موفقیت و دستاوردهای حرفه‌ای، همه‌چیزدانی و مهندسی اجتماعی	از حیث نتایج و دستاوردها اقتدار جادویی ^۲ پزشکان را تاکید ساخته و گفتمان جراحی زیبایی را مثبت و مشروع بازنمایی می‌کند.	مثبت جلوه دادن جراحی بینی و ترغیب متقاضیان
واقعیتش اینه که هنوز خیلی از مردم نمی‌دونن که چه زمانی باید عمل بینی انجام بدن. هنوز میان پیش من که متخصص پوست هستم می‌گن شما بینی ما رو عمل کن. من اگه آدم درستی نباشم می‌تونم به شما بگم باشه بیا تا برات عمل کنم. شما توی اتاق عمل من رو می‌بینی به عنوان جراح، توی لباس جراحی. ولی بعد من نیستم که شما رو عمل می‌کنم دوست من که متخصص گوش و حلق و بینی شما رو عمل می‌کنه. این اتفاق به ندرت اتفاق می‌افته. ولی اتفاق می‌افته. (پزشک متخصص)	استدلالی	سودجویی	برملاسازی کاسب‌کاری‌های متخصصان، پاد گفتمان پزشکی متن و گفتمان حقوقی	دیویس (۹:۱۳۹۲) معتقد است جراحان ناگزیر بوده‌اند از جراحی زیبایی در برابر اتهام‌هایی مانند شیادی، کاسب‌کاری و ابتذال دفاع کنند. پزشک متخصص در اینجا برای حفظ وجهت نهادی خود از اداتی مانند «این اتفاق»، «به ندرت» استفاده کرده است.
شما اگر دقت کنید بیش از پنجاه یا هفتاد درصد ثروت دنیا خرج این میشه که شما قشنگ ببینید، طرح لباس شما، مبلمان خونه شما، رنگ دیواراتون، فرش تون. برای چیه؟ می‌تونست همه چیز سیاه یا سفید باشه. بیشترین پولی که شما برای اتومبیل تون می‌دید برای رنگ و طراحی بدن و تودوزیشه، گیربکس و موتور که هزینه‌ای نداره. بیش از پنجاه درصد ثروت دنیا خرج این میشه که زیباتر ببینیم. (پزشک متخصص)	استدلالی	زیبایی‌شناسی و زیبایی‌شناسی ^۳	پیوند دال زیبایی‌شناسی و تخصص با جراحی زیبایی. تجملی و لوکس شدن زیبایی، شی‌گونه‌سازی بدن، رویکرد مصرف‌گرایانه به بدن. عام‌سازی	پزشک جراح در موقعیت هنرمند قرار داشته؛ او مانند پیگمالیون واجد صورت‌های مختلفی است و می‌تواند نقش‌های مختلفی مانند پدر، خالق را ایفا سازد (فریز، ۲۰۰۳؛ جونز، ۲۰۰۹)
برعکس اون چیزی که شما فکر می‌کنید در سطح جهانی جراحی اصولاً در ایران خیلی ارزونه، خیلی از بستگان ما، فامیلامون در آمریکا هستن، میان ایران جراحی بینی انجام میدن و برمی‌گردن (پزشک متخصص)	استدلالی	هزینه و مقرون‌به‌صرفه بودن جراحی زیبایی	مزیت‌های جراحی زیبایی در ایران و هزینه‌های پایین آن	
ایشون می‌خواستن پاسپورت بگیره موفق نشده بود، مجبور شد از ما نامه بگیره و بعدشم که خیلی از دوستاش باور نمی‌کردن که این آدم عوض شده. ببینید ما همیشه باید به مقدار با دید مثبت‌تر به	استدلالی	موفقیت	نقش مهم گفتمان پزشکی در تقویت اعتماد به نفس و رضایت شخصی افراد از خود و احساس خرسندی شخصی	جراح به مثابه جادوگر حاذق. دستاوردهای مثبت و مؤثر

^۱ به باور دیویس (۱۳۹۲) جراح در موقعیت مرجعیت تشخیص بدن‌های بهنجار از غیر بهنجار قرار گرفته است.

^۲ فکوهی (۱۳۸۶) معتقد است که جراح همچون جادوگری اسطوره‌ای نماینده‌ای از اراده مردانه جامعه است که کالبد را «اصلاح» می‌کند و با گفتمان مدرن خود «به آن شانس بازگشت دوباره و استفاده از زندگی» را می‌دهد.

^۳ مشابه اظهارات یکی از دانش‌آموزان

				<p>ماجرای هم نگاه کنیم.</p> <p>۲- ایشون درخواست کرد که دماغش بزرگه و به خاطر دماغش توسط دوستانش مورد تمسخر قرار می‌گیره. نیاز داشت به این جراحی و ما بینشو به این شکل درآوردیم^۱. (الآن) رضایت‌مندی خوبی به دست آورده و تقریباً اعتماد به نفس بالاتری داره و خیلی خوشحال‌تره (پزشک متخصص)</p>
<p>در جامعه‌ای که فرهنگ مصرفی و بدن، اهمیت پیدا می‌کند؛ چسب بینی بدل به نشانه یا رمزگان هویتی و منزلت‌بخش شده است</p>	<p>نقش مصرف کالاها و لوزام آرایش در ساخت خود و هویت (نگرین، ۲۰۰۸). نمایشی شدن اجزاء بدن (لایس، ۱۹۸۶). بصری شدن نمادهای منزلت در فرهنگ کلان‌شهری. امکان دست‌کاری و نظارت بر ظواهر بصری به‌مثابه حامل ضمیر انسانی (چاوشیان و آزادارمکی، ۱۳۸۱)^۲.</p>			<p>خیلی زیاد این قضیه پیش اومده که دختر پسرایی بیان اینجا که بینشون رو عمل نکردن و خوب چسب بخوان و خیلی عجیب برای منه که چسب‌های گرون‌تری رو هم انتخاب می‌کنن تا این چسب‌ها رو روی بینشون بزندن (متصدی داروخانه)</p>
نهاد دین				
ملاحظات دیگر	تحلیل اولیه	توپوی	استراتژی	متن فیلم
<p>دلالت ضمنی: در صورت وجود سامان دینی پاسخگو و کارآمد، جوانان دیگر گرایشی به سبک زندگی مدرن و کردارهای متجددانه نخواهند داشت.</p>	<p>آسیب‌شناسی وضعیت و کاستی‌های موجود در نهادهای مختلف دینی و تربیتی</p>		<p>منفعل‌سازی^۳ (جوانان)</p>	<p>متأسفانه ما در جامعه امروز خودمون عرصه‌های خالی زیاد داریم که هنوز پر نکردیم؛ اینکه جوان‌ها توی اون عرصه‌ها احساس خلاء می‌کنن. مذهبی که ما برای جوان‌ها معرفی می‌کنیم، نمی‌تواند این جوان‌ها رو اشباع کند حالا یا به‌گونه‌ای است که با واقعیات موجود سازگار نیست یا به‌گونه‌ای است که نیاز بچه‌ها را پاسخ نمیده، اینکه من فکر می‌کنم اگر واقعاً ما یک فرهنگی در جامعه بسازیم، یک مذهبی بسازیم و در عرصه‌ای وارد کنیم که این جوان‌ها تو اون عرصه احساس خلاء نکنند، فکر می‌کنم که به این چیزها پناه نمی‌برن (حجت‌الاسلام فاضل میبد)</p>
<p>کاربرد صفات کلیشه‌ای و منفی مانند بی‌هویتی، بی‌خودی بودن</p>	<p>جراحی زیبایی با دال‌های مانند بیگانگی، تظاهر و خودنمایی هم‌نشین شده است.</p>		<p>حذف استراتژیکی کنش‌گران دخیل در جراحی زیبایی</p>	<p>در سال‌های اخیر، ما مجموعاً در بخش جوانان و به‌ویژه زنان، احساس بی‌هویتی، احساس بی‌خودی کردن را کاملاً مشاهده می‌کنیم. جوان‌ها احساس می‌کنن که تمام اون چیزی که دارن اون صورت و ظاهرشان هست که می‌تونه در جامعه نمایان بشه و بتونن جلب‌توجه کنن. (حجت‌الاسلام ایازی، حوزه</p>

^۱ زنان همواره دعوت به خوشایند بودن می‌شوند. این فشار از طریق اسطوره‌ی زن اعمال می‌شود. در قالب این اسطوره، زن، مدل جمعی و فرهنگی خوشایند بودن است.

^۲ این یافته همچنین با نتایج تحقیق بهار و وکیلی (۱۳۹۰) قرابت دارد، که معتقد بودند: در حوزه‌ی زیبایی دانشجویان به جای "مالکیت مادی" از "مالکیت‌های نشانه‌ای" و به عنوان نیروی فرهنگی^۳ اجتماعی تازه به جای چشم و همچشمی مالی و نیز مصرف متظاهرانه مادی به "چشم و همچشمی نشانه‌ای" و "مصرف متظاهرانه‌ی نشانه‌ای زیبایی" روی آورده‌اند.

همچنین این امر یادآور مفهوم منظرگرایی (lookism) است یعنی قضاوت و پیش‌داوری بر اساس ظاهر فردی (آمالیا، ۲۰۱۴: ۵۴)

^۳ فعال‌سازی زمانی رخ می‌دهد که کنشگرهای اجتماعی، نیرویی فعال و پویا در کنش‌های اجتماعی بازنمایی شوند و در مقابل منفعل‌سازی قابل اطلاق به وضعیتی است که کنشگرها متحمل اثر یک کنش شوند.

علمیه شهر قم				
				در مجموع ما بایستی ببینیم عیب اصلی از کجاست، از جانب خود جوان که این حس رو می‌خواد ابراز کنه یا از جانب کسانی است که متصدی الگودهی به جوانان هستند. به نظر می‌رسه از این جنبه ما نمی‌توانیم جوان رو توییح کنیم چون به‌هر حال یک حس درونش هست که می‌خواد ابراز کنه (حجت‌الاسلام رهنما)
عیب‌انگاری توجه به بدن و نمایش خود	آسیب‌شناسی وضعیت و کاستی نقایص موجود در نهادهای مختلف دینی و تربیتی		منفعل‌سازی	
	به گفتمان جراحی زیبایی (دنیا و بدن‌محوری) نقد وارد کرده و آن را به حاشیه می‌راند.	توپوی معنویت، شهادت و از خودگذشتگی	تفکیک و طبقه‌بندی در استعاره‌ی فضایی - مکانی و شکل‌دهی دوگانه‌ی «آنجا و اینجا»	جنگ برای ما یک نعمت است. در جنگ معنویت رشد کرد، فرهنگ ایثار و فداکاری، فرهنگ دفاع رشد کرد. اونجا دیگه جایی برای تظاهر و ریا نبود. اونجا مرگ بود، شهادت بود. اگر (رزمنده) دستش رو از دست می‌داد می‌گفت دستم کم بشه ولی جای دیگه ارضا و اشباع هستم؛ چون به‌جایی وصل بود (حجت‌الاسلام احمدپور)
نهاد هنر و رسانه				
متن فیلم	استراتژی	توپوی	تحلیل اولیه	ملاحظات دیگر
بینی رو وقتی می‌خوایم عمل کنیم باید در تناسب با قسمت‌های دیگر چهره عمل کنیم. یه وقت ممکنه که بینی بلند می‌خوایم کوتاهش بکنیم، البته کوتاه بشه قشنگ‌تره اما اگه این آدم پشت لب بلند داشت، این جوریه، حالا دماغشم ببریم بالاتر. چهره‌اش مثل میمون میشه (نصرت کریمی)	۱- نام‌گذاری (مقوله‌بندی). ۲- گزاره‌ای (زشت و منفی جلوه دادن). ۳- استدلالی ۴- تشخیص‌زدایی و انتساب هویت غیرانسانی (حیوان) به مبادرت‌کنندگان (کرس و ون‌لیوون، ۲۰۰۶)	توپوی زیبایی‌شناسی و هارمونی	نیات حاشیه‌سازانه و طرد کننده‌ی گوینده	در پرتو معیار زیبایی‌شناسانه تناسب و هارمونی، چهره‌ی زشت و کریه‌ی از مبادرت‌کنندگان به جراحی بینی تصویر می‌سازد.
آدم‌ها یه جوریه واقعاً هستن، یه جوریه آرزو می‌کنن که باشن که گاهی اون ماسک رو می‌زنن به صورت‌شون که شبیه اون کسی که آرزو می‌کنن باشن، یه جوریه دل‌شون می‌خواد مردم بشناسن‌شون، اونم یه ماسک دیگه‌اس، اما یه جوریه هم مردم واقعاً می‌شناسنشون، جالب اینجاس اونجور که مردم می‌شناسنشون خیلی شبیه به همون جوریه که هستن. این دوتا ماسک اصلاً بی‌خوده (نصرت کریمی، مجسمه‌ساز، کارگردان و بازیگر)	۱- تشدید ۲- مشخص‌سازی چند موردی و به‌طور خاص استراتژی وارونگی		جراحی زیبایی را کاذب و ناپسند جلوه می‌دهد. جراحی زیبایی و بالأخص بینی به‌مثابه عملی «بی‌خود» و بی‌کارکرد برچسب خورده و از مرکزیت عزل می‌شود	کنشگر را با چند نقش و سیمای متضاد و متضادانه بازنمایی می‌سازد که با یکدیگر همخوانی ندارد.

تفسیر و تبیین متن

در این متن، گفتمان‌های متداخل و همسو یا واگرا نسبت به هم وجود داشتند که بعضاً در وضعیت متنازعی با یکدیگر قرار می‌گرفتند و همین امر سازنده‌ی شاکله‌ی فیلم و روایت گفتمان‌مدارانه‌ی جراحی زیبایی بینی در ایران بود. از حیث نهادی می‌توان گفت فیلم و روایت حاکم بر آن حول چند نهاد تأثیرگذار پیرامون مقوله‌ی بدن و جراحی زیبایی استوار است. نهاد تعلیم و تربیت که مکان و حوزه‌ی عمل آن مدرسه و سخنگویان آن صرفاً دانش‌آموزان (دختر) بودند. نهاد دین که حوزه‌ی عمل آن مدارس دینی و سخنگویان آن روحانیان و مدرسان حوزه‌ی علمیه بودند و نهاد پزشکی که حوزه‌ی عمل آن بیمارستان، مطب پزشکان، اجلاس‌های پزشکی و سخنگویان آن پزشکان، جراحان و پرستاران یا منشیان پزشکان بودند. نهاد دیگر نیز فرهنگی و نماینده‌ی آن اهالی رسانه، هنر و سینما بودند.

در نهاد مدرسه، گفتمان فیلم صرفاً روایت دانش‌آموزان را برجسته کرد و روایت فیلم، معلمان، مدرسان و مسئولان تربیتی و آموزشی را محذوف کرد. در این نهاد همچنین کمتر نشانی از فضای رسمی و خشک تأدیبی آموزشی و کنترلی وجود داشت و به‌نوعی گفتمان مدرسه در روایت فیلم را دختران دبیرستانی واژگون می‌کنند. در این سطح دانش‌آموزان به‌طور عمده در قطب موافق با جراحی زیبایی قرار داشتند و بیشتر دلایل و علل گرایش به این جراحی‌ها را تشریح کردند و در پاسخگویی به پرسش‌ها همان‌گونه که پیش‌تر نیز ذکر شد دلایلی مانند زیبایی‌دوستی، افزایش اعتماد به نفس، افزایش شانس ازدواج، تنوع‌طلبی، اقتضائات سنی و نسلی را مطرح کردند. به‌طور کلی می‌توان گفت نهاد آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت با حذف (عامدانه) مسئولان تربیتی و آموزشی، کلیت حاکم را موافق و همسو با جراحی زیبایی بدن، گفتمان بدن‌مدرن و متحول‌بازنمایی می‌کند.

گفتمان پزشکی راجع به بدن از زبان جراحان پلاستیک در فیلم به‌شدت و با اطمینان زیاد در تأیید تام و تمام این‌گونه

اعمال و تخصص ناب و هنرمندانه‌ی جراحان زیبایی و مقرون به صرفه‌بودن آن، پیامدهای مثبت اجتماعی و به‌دست‌آوردن امتیازات اجتماعی با انجام این‌گونه دست‌کاری‌ها صحبت می‌کند و در سوی موافق و مدافع جراحی زیبایی بینی و اهمیت بدن قرار می‌گیرد. روایت فیلم، پزشکان را خدایگان سفیدپوشی‌بازنمایی می‌کند که با دستانی جادویی به اصلاح و مهندسی اجتماعی اقدام می‌کنند و عرضه‌کننده‌ی مقبولیت اجتماعی هستند. گفتمان پزشکی همچنین در این‌بازنمایی سعی دارد ریسک این‌گونه اعمال را در پرتو پنجه‌های ماهر، حاذق و هنرمندانه‌ی پزشکان کاهش دهد و بیشتر از همه موفقیت‌آمیزبودن این‌گونه اعمال را مرجح کند. افزون بر این، در مستند مذکور پوسترها و بیلبوردهای سینمایی که بیشتر بر بازیگران زن تمرکز می‌کند و چهره‌هایی را به تصویر می‌کشد که دماغ‌شان را عمل کرده‌اند، به‌مثابه یک ژانر در خدمت تقویت گفتمان پزشکی بود؛ یعنی به‌لحاظ گفتمانی، جراحی زیبایی به نهادهای مدرنی همچون سینما وابسته است و به‌نوعی نهاد سینما مشوق جوانان برای الگوگیری در شاخص‌های مدرن سبک زندگی و مدیریت بدن است. همچنین باید گفت در روایت فیلم، نهاد پزشکی، تبلیغات سینمایی و بازیگران (به‌منزله‌ی الگوی مرجع جوانان) در کنار شبکه‌های ماهواره‌ای و محتویات رسانه‌ای غرب، تأییدکننده و مشوق جراحی بینی محسوب می‌شوند و در مدار گفتمانی در یک راستا قرار می‌گیرند.^۱

نهاد دیگر، نهاد دین است که در فیلم صدایی برای سخن گفتن و ایراد گفتار می‌یابد. در این سطح روحانیون مذهبی و مدرسان حوزه‌ی علمیه بیش از آنکه به‌طور مستقیم و به‌صراحت جراحی بینی را مذموم بشمارند، به‌صورت عمیق‌تر و با رویکردی آسیب‌شناسانه، چرایی کمرنگ‌شدن فرهنگ دهه‌

^۱ پیوند مدیریت بدن و زنانگی نیز در اینجا مجدداً معنا دار است و گفتمان فیلم را بر می‌سازد؛ به بیان دیگر جراحی زیبایی در این متن بیشتر وجه جنسیت‌مند و زنانه می‌یابد، به‌گونه‌ای که گفتمان فیلم پیوسته تلاش می‌کند دال جراحی زیبایی را با کنشگران اجتماعی زن پیوند بزند تا جایی که می‌توان از زنانه‌شدن جراحی زیبایی سخن به میان آورد.

می‌کند. در مجموع در روایت مستند مورد تحلیل، تقابلی آشکار بین گفتمان دهه هشتاد (رویه‌های بدن‌محورانه، مصرفی و فراغتی: تصاویر پیست اسکی و ...) و دهه شصت، با محوریت تقابل سنت و تجدد، دال‌هایی مانند جمع‌گرایی - فردگرایی، ارزش‌های دینی - ارزش‌های عرفی و فردی، محوریت روح در مقابل جسم، بدن و فراغت شکل می‌گیرد و در لایه‌های زیرین متن، نظام معنایی و گفتمانی فیلم را می‌سازند.

در چارچوب هنر و به‌طور خاص در ساحت سینمایی، متولیان امر (یک هنرمند تجسمی، یک بازیگر و یک کارگردان) از بینی‌های عمل‌شده به‌مثابه معضلی نام می‌برند که تمام متقاضیان بازیگری را یکسان‌سازی می‌کنند و ایشان نیز نارضایتی خود را از این امر ابراز می‌کنند. همچنین در همین چارچوب، مجسمه‌ساز نیز با تکیه بر توپوی فرم و زیبایی‌شناسی به‌شدت چهره‌های دست‌کاری‌شده را تقبیح و نکوهش می‌کند و با الفاظی همچون جعلی‌بودن و دال‌های ارزش‌گذارانه (تشخص‌زدایی: میمون) این کردار گفتمانی را طرد کرده و منفی‌سازی می‌کند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در بازنمایی مذکور، قلمرو هنر و هنرمندان نیز در صف منتقدین جراحی زیبایی بینی قرار دارند و این کردار را به‌صورت منفی کدگذاری می‌کنند.

همچنین بخش دیگر فیلم به روایت خود مبادرت‌کنندگان و متقاضیان، به جراحی زیبایی اعم از دختر و پسر جراحی‌شده توجه می‌کند. این گویندگان از سویی این کنش را تأیید کرده و از آن با عنوان «حق» نام برده و پیشنهاد پزشک جراح زیبایی و اطرافیان را پذیرفته و به این عمل اقدام کرده‌اند و از دیگر سو نمی‌خواهند جسارت‌مندانۀ فردیت این کردار گفتمانی خود را بر عهده بگیرند. برای نمونه در سکansı از فیلم، عکاسی امریکایی توضیح می‌دهد کسانی که در ایران جراحی بینی کرده‌اند، به‌صورت خنده‌آوری دلیل جراحی بینی خود را شکستگی بینی می‌دانند. ذکایی و فرزانه (1387) در مطالعه خود از این پدیده صحبت کرده و از آن با

شصت، گفتمان جنگ و اضمحلال ارزش‌های جامعه اسلامی را بیان می‌کنند و از دال‌هایی مانند خلاء هویتی، عیب، بیگانگی، احساس کمبود، خودمحوری سخن به میان می‌آورند. در این متن گفتمان روحانیان در پیوند مستقیم با گفتمان دین برای برجسته‌سازی منبع دیگری از هویت یعنی اسلام تلاش می‌کند (ذکایی و امن‌پور، 1391: 131). در گفتمان دین هم فرد و هم جامعه، اعتبار خود را از خداوند می‌گیرند و دال‌های شناور حول دال اسلام معنا پیدا می‌کنند و به‌طور مثال مفاهیمی مانند معنویت‌گرایی، دنیا‌گریزی، ساده‌زیستی در مرکز قرار می‌گیرد (ذکایی و امن‌پور، 1391: 137). به‌طور کلی می‌توان گفت نهاد دین و گفتمان مذهب درباره جراحی زیبایی بینی در فیلم، نگرشی انتقادی و آسیب‌شناسانه دارد و به‌صورت تلویحی و ضمنی این فرهنگ و گفتمان مدرن بدن محور را طرد می‌کند و به حاشیه می‌راند و با کدهای منفی ارزش‌گذاری می‌کند. بنابر اعتقاد کرس و ون‌لیوون (2006) گفتمان‌ها لزوماً متن‌محور نیستند، بلکه چندوجهی‌اند و ترکیب متن با وجوه تصویری، دیداری است که گفتمان را شکل می‌دهد (Weinmann, 2010). مقوله‌ای که در اینجا از آن می‌توان کمک گرفت، مفهوم «آرشیو» است. آرشیو هم به‌معنای مجموعه متون و داده‌ها است و هم با تأسی از فوکو آن را نوعی نهاد می‌توان در نظر گرفت. در این معنا، آرشیوها خنثی نیستند، آن‌ها تجسم‌بخش قدرتی هستند که در ذات قاموس و قوانین زبان هستند؛ بنابراین هر نوع آرشیوی به‌دلیل مرجعیتش برای این نهادها جذاب است. به باور هال نیز آرشیو، منابعی است که یک گفتمان از آن تغذیه می‌کند (فرقانی و اکبرزاده، 1390: 144). در همین راستا گفتمان دینی پیرامون بدن در فیلم با برخی پاره‌گفتارهای دیگر موجود در متن تقویت می‌شود، بدین ترتیب که فیلم با بهره‌گیری از تصاویر آرشیوی خط مقدم (به‌مثابه یکی از ژانرهای متن)، روایت پرستار و خاطرات وی از دوران جنگ تحمیلی، نقاشی دیواری شهدا، مراسم و مناسک ماه محرم، روحیه شهادت‌طلبی و فرهنگ جبهه، گفتمان ارزش‌مدارانه دهه شصت را تقویت و مؤکد

قدرت هر صورت‌بندی گفتمانی در چندگونگی مباحث متفاوت آن نهفته است (فرقانی و اکبرزاده، ۱۳۹۰: ۱۴۲). حال (276: 1992) به قطعه‌قطعه‌شدن، انسجام‌نداشتن، تکثر و تنوع هویت‌های معاصر پسامدرن اشاره می‌کند. هویت‌های متناقض و بعضاً حل‌ناشده که سویه‌های ناهمخوانی را در یک سازه کلان کنار هم به یکدیگر متصل کرده است. در این بازنمایی و در سطح مبادرت‌کنندگان نیز دیدیم که دوگانگی آنان نسبت به جراحی زیبایی، برسازنده‌ی نوعی تناقض به‌لحاظ گفتمانی در فیلم است. به‌صورتی که مبادرت‌کنندگان به این عمل در وضعیت تشویش، اضطراب، ترس و ناخوش‌احوالی بازنمایی می‌شوند و در ارزیابی نتیجه‌ی عمل جراحی در مرز رضایت و نارضایتی قرار دارند و تردید خود را همچنان به‌دلیل فرم بینی ابراز می‌کنند.

به‌طور کلی می‌توان گفت فیلم نزاعی گفتمانی بر سر بدن، جراحی زیبایی و مشروعیت یا نامشروع‌بودن آن بین گفتمان مدرسه و پزشکی از یکسو - به‌عنوان تأییدگران این کنش و کردار گفتمانی - و گفتمان دین و هنری - به‌عنوان نکوهش‌گران این کردار - است و در این میان مبادرت‌کنندگان نیز در دیالکتیک‌هایی همچون اطمینان و تردید، تشویش و آسودگی و فردیت و تصویر خود در آینه‌ی دیگری قرار می‌گیرند. نظام معنایی و گفتمانی فیلم درحقیقت مرکب از این عناصر، مواضع آنان و گفتارهایی است که ساحت نمادین جامعه را پیرامون موضوع بدن و جراحی زیبایی بیان و بازنمایی می‌کند. این بازنمایی نشان می‌دهد عرصه‌ی اجتماعی، عرصه‌ای است که در آن متجددان با نمایندگی پزشکان و نسل جوان در چارچوب‌های فردیت‌جویانه، جذابیت و با محوریت بدن، هژمونی جاری و مسلط پیرامون بدن در گفتمان رقیب را که رگه‌هایی از سنت‌گرایی و محافظه‌کاری دارد، به چالش می‌کشند و دال‌های محوری آن را به حاشیه می‌رانند و این‌گونه برای خود، جایگاهی نمادین پدید می‌آورند.

عنوان مخفی‌کاری و پنهان‌سازی جراحی به‌دلیل عواقب احتمالی بحث کرده‌اند. درحقیقت کنشگرانی که نسبت به این کردار گفتمانی اقدام کرده‌اند، با به‌کارگیری استدلال‌هایی تلاش کرده‌اند عارضه‌ی جسمانی را دلیلی بر کنش ترمیمی زیباشناسانه‌ی جراحی بینی قلمداد کنند و این‌گونه القا کنند که آنان به جراحی پلاستیک نیاز داشته‌اند و جراحی زیبایی انتخاب آنان نبوده است. در موارد دیگر دو زن جوان که به جراحی زیبایی اقدام کرده‌اند، با نوعی نارضایتی و ندامت از این کردار پیشین خود صحبت می‌کنند و نشانه‌های یأس و ناخرسندی خود را خواه در چهره و خواه در کلام ابراز می‌کنند. ایشان همچنین به‌طور ضمنی خود را به‌دلیل این اعمال شمت می‌کنند تا حدی که نشانه‌هایی از ندامت (ناشی از این عمل) در کلام و کنش آنان ملاحظه می‌شود. در مجموع می‌توان گفت از بین چهار عامل به جراحی زیبایی، سه نفر در موضع ناخرسندی و گلایه و انتقاد نسبت به این عمل قرار داشتند. یافته‌ها در اینجا با نظریه‌ی باومن و باتلر در زمینه سوژه‌ی دارای جنسیت مطابقت دارد. باتلر معتقد بود جنسیت، عرصه‌ی ستیز و کشاکش اجتماعی شده است و در این متن دیدیم که بدن (زنانه) جنسیت‌مند، محل و کانون نزاع گفتمان‌های مختلف شده است. از سویی دیگر این سوژه‌ی جنسیت‌مند با بدن مادیت‌یافته‌اش همواره درگیر تشویش، ناخرسندی و گونه‌ای گناهکاری اخلاقی (فوکو معتقد بود بدن مکانی برای گناهان اخلاقی شمرده می‌شود) است و از امری گلایه دارد. این موضوع نیز بر نظریه‌ی باومن در مورد هویت‌های سیال و غیرقطعی و ناکامل پسامدرن دلالت دارد.

افزون بر کاربری نظری مطرح‌شده، می‌دانیم یکی از اهتمامات تحلیل گفتمان، عیان‌کردن پیچیدگی‌ها، تناقض‌ها و ناسازه‌های گفتمانی هر متنی است؛ به عبارتی اگرچه صورت‌بندی گفتمان، ساختار دارد؛ این امر لزوماً بدان معنا نیست که آن‌ها منطقی و منسجم هستند. درواقع بخشی از

جدول ۲- گفتمان به‌مثابه کردار اجتماعی

ردیف	گفتمان	نهاد	نماینده گفتمان	حوزه عمل یا میدان کنش	موضع نسبت به جراحی زیبایی
۱	پزشکی	بهداشت و درمان	پزشک، جراح، پرستار، مشی	بیمارستان، اتاق عمل، مطب پزشک	مثبت و تأییدکننده
۲	مذهب	دین	روحانیون، مدرس علوم دینی	حوزه علمیه	منفی و نکوهش‌گر
۳	تعلیم و تربیت	آموزش و پرورش	دانش‌آموزان دختر دبیرستانی	مدرسه	مثبت و تأییدکننده
۴	هنر	فرهنگی	بازیگران، کارگردانان	سینما، آموزشگاه بازیگری	منفی و نکوهش‌گر
۵	مبادرت‌کنندگان و متقاضیان	نسل جوان	نسل و خرده فرهنگ جوانان	گروه‌های همالان، مکان‌های فراغتی	مثبت و تأیید و دیالکتیک اطمینان و تردید، تأیید و انکار، خوشحالی و یأس، فردیت و بیگانگی، غریبگی با خود، نارضایتی (تناقض‌های گفتمانی)

بحث و نتیجه

در عصری که هستی انسان بیش از هر چیز هستی بدنی است (بروتون، ۱۳۹۲: ۱۳) می‌توان گفت بدن مقوله‌ای پرسش‌برانگیز است. همچنین می‌دانیم جراحی زیبایی یکی از مسائل مهم در حوزه پزشکی - فرهنگی و یکی از موضوعات بررسی شده در جامعه‌شناسی بدن است که در جامعه ایرانی در سال‌های اخیر افزایش در خور توجهی یافته است. به اعتقاد پژوهشگران، تحولات چند دهه اخیر جامعه ایران، نوسان‌هایی را در گفتمان تغییر بدن نمایش می‌دهد، به گونه‌ای که فضای انقلابی و گفتمان جنگ که انضباط و کنترل بیشتر بر بدن و سادگی و کارکرد غیرتظاهری آن را مورد تأکید داشت، فاصله زیادی را با گفتمان و ارزش‌های مصرفی و سبک زندگی محور بدن در دهه اخیر نشان می‌دهد (ذکایی، ۱۳۹۳)؛ به بیان دیگر تغییرات اجتماعی و فرهنگی و تحولات گفتمانی باعث شد در گفتمان دهه هفتاد و هشتاد (با تفوق گفتمان اصلاح‌طلبانه) بدن بیش‌ازپیش به عرصه کشمکش گفتمانی بدل شود و گسیختگی‌هایی در ساختار گفتمانی پیشین پدید آید. در این

دوران از سویی قوای مقننه و مجریه با معطل گذاشتن بسیاری از قوانین در حوزه بدن و زیر پرسش بردن قوای قهریه، فضای بازتری برای تظاهرات بدنی فراهم کردند و تحولات پساجنگ، بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش رفاه عمومی، تحولاتی در ارزش‌ها و رواج مصرف‌گرایی و تغییرات سبک زندگی گروه‌های اجتماعی پدید آورد (ذکایی و فرزانه، ۱۳۸۷). در این برهه، بدن به عرصه‌ای برای نمایش فردیت‌ها، اعتقادات و ارزش‌های فردی و خصوصی تبدیل شد و جریان نوگرایی بر کنترل و انضباط بدن فردی و حساسیت بیشتر برای ارائه تصویر مطلوب از آن تأثیر گذاشته است، به‌صورتی که دیگر آرایش و دست‌کاری بدن، نشانه بی‌عفتی و بی‌اخلاقی یا مقاومت در برابر هژمونی به شمار نمی‌رفت، بلکه نمادی از فردیت در متن جامعه ایرانی بود (ذکایی و امن‌پور، ۱۳۹۱: ۱۳۹). آزاد ارمنی و چاوشیان، (۱۳۸۱). در مستند «دماغ به سبک ایرانی» که در این مطالعه تحلیل و معناکوی شد، تحولات گفتمانی پیرامون بدن موضوع بازنمایی قرار گرفته بود.

مذهبی دهه شصت و فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی دفاع مقدس و جنگ تحمیلی قرار دهد. از این رو می‌توان ادعا کرد در بافت و فضای اجتماعی کلان نیز این نزاع نمادین و ارزشی حکم‌فرما است و به‌صورت جدی دنبال می‌شود.

در پایان باید اشاره کرد که در پاره‌ای بررسی‌ها و مطالعات خارجی، این تمایل وجود دارد که روند روزافزون جراحی زیبایی در ایران را به‌منزله نوعی کنش سیاسی و مقاومت‌گون در برابر ارزش‌های رایج و فرهنگ رسمی نظام سیاسی ایران تفسیر کنند؛ به‌عنوان نمونه استفان برونر^۱ در مجله آلمانی ماری کلر^۲ که در آگوست ۲۰۰۱ چاپ شد، وضعیت جراحی بینی در ایران را بررسی می‌کند و از این گرایش رو به‌افزایش با عنوان «انقلاب بینی‌های کوچک» نام می‌برد. نویسنده، این پدیده اجتماعی را از رهگذری سیاسی و نوعی مقاومت، اعتراض و عاملیت در رویارویی با نظام سیاسی حاکمه و با عنوان «اعتراضی خونین» می‌بیند.^۳ وی معتقد است نظام حاکمه، نوعی مخاصمه و ضدیت با بدن دارد و مقررات و تنظیمات سختی را علیه بدن، پوشش و حجاب در عرصه عمومی اعمال می‌کند (Weinmann, 2010:24). می‌دانیم تحلیل گفتمان انتقادی، ایدئولوژیک‌بودن یک برساخت اجتماعی را بررسی می‌کند. در این مورد خاص نیز می‌توان گفت نگره‌های خارجی بیش از آنکه دلالت‌های جامعه‌شناختی جراحی زیبایی در ایران را امری محلی و جهانی در نظر بگیرند، بدن را سیاسی کرده و سویه‌های سیاسی آن را برجسته می‌کنند، از همین رو وجهی ایدئولوژیک پیدا می‌کند. بر اساس آمار انجمن بین‌المللی جراحان پلاستیک دنیا، تعداد عمل جراحی بینی در ایران در سال ۲۰۱۳، ۳۷۴۲۳ مورد (۰/۰۴ درصد جمعیت) بوده است. این در حالی است که تعداد عمل

نتایج این مطالعه نشان داد در گفتمان فیلم، نهادهایی مانند تعلیم و تربیت، دین، پزشکی، هنر عناصر اصلی و محوری هستند و فیلم به‌عنوان متنی گفتمانی، تبلور نزاع گفتمانی و تنازع‌های ارزشی گفتمان‌های مربوط است. روایت این فیلم مستند نشان داد هیچ‌یک از گفتمان‌های مذکور، موقعیت برتر و فرادست را در موضع جراحی زیبایی و تصاحب فضای گفتمانی آن ندارند؛ به بیان دیگر روایت فیلم به‌صورت ضمنی گویای آن است که در زمینه و بافت اجتماعی جامعه ایران به‌دلیل تغییرات به‌وقوع پیوسته و موجود، هیچ‌کدام از گفتمان‌های محوری راجع به بدن نمی‌توانند یک‌سره هژمونیک شوند و بر ساحت مذکور تفوق پیدا کنند. این تفسیر بدین معناست که با وجود آنکه وضعیت و نرخ جراحی زیبایی و تنوع آن در کشور، میزان بالا و اقبال روزافزونی را نشان می‌دهد و اقدامات و تقاضاهای فعلی نوعی فردیت‌جویی، تجددگرایی، نمایشی‌شدن و استانداردشدن (و یا ساختن) ایدئال‌های بدنی را نشان می‌دهد؛ از سویی دیگر گفتمان‌هایی نظیر گفتمان دین و بعضاً هنر با تکیه بر ارزش‌های اسلامی انقلابی سعی در به‌حاشیه‌راندن موضوع بدن، محوریت آن و تضعیف گفتمان‌های بدن محور در سطح جامعه و طرد و منفی‌سازی آن دارند.

همچنین می‌دانیم هویت سوژه و هویت گفتمان با تقابل بیرون و درون شکل می‌گیرد. درحقیقت هویت با تخاصم میان گفتمان‌ها و برساخت دیگری به‌عنوان متخاصم پدید می‌آید؛ به دیگر سخن هیچ گفتمانی هرگز نمی‌تواند به‌تنهایی شکل بگیرد و تثبیت شود، مگر آنکه هویت خود را در تقابل با هویت دیگری معنادار کند. این امر نیز در مطالعه مستند به‌وضوح خود را نمایان کرد. آنجا که مستندساز با چینش‌ها و گزینش‌هایی، جنبه‌های خاصی از واقعیت را برجسته می‌کند و سویه‌های دیگری را نادیده می‌انگارد که به‌طور مشخص وجه ایدئولوژیک گفتمان را نمایندگی می‌کند، بر این اساس است که مستندساز تلاش می‌کند گفتمان تجددگرا، بدن و فراغت‌محور نسل جوان را در تقابل با ارزش‌های دینی و

^۱ Stefan Brunner

^۲ Marie Claire

^۳ از سوی دیگر کارزاری جدی نیز در شبکه‌های اجتماعی برای نجات انقراض «دماغ آریایی» یا «دماغ ایرانی» به راه افتاده است. کارزاری که شرکت‌کنندگان در آن، عکس‌های خود را با بینی طبیعی‌شان منتشر می‌کنند تا از اوج‌گرفتن بیشتر مد و تب عمل جراحی بینی بین جوانان و نوجوانان جلوگیری کنند. این پویش خود می‌تواند عاملی در رد فرضیه جراحی زیبایی به‌مثابه مقاومت در ایران باشد.

بروتون، د. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی بدن*، ترجمه فکوهی، ن.، تهران: نشر ثالث.

بهار، م. و وکیلی قاضی جهانی، م. (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان جراحی‌های زیبایی صورت»، *مجله پژوهش زنان (زن در توسعه و سیاست)*، دوره ۹، ش ۱، ص ۶۳-۹۲.

جلایی‌پور، ح. ر. و محمدی، ج. (۱۳۸۷). *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*، ترجمه و تألیف: تهران: نشر نی، چاپ اول.

چاوشیان، ح. و آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۱). «بدن به مثابه رسانهٔ هویت»، *جامعه‌شناسی ایران*، ش ۴، ص ۵۷-۷۵.

حاجی میری، ف. (۱۳۹۱). *قدرت و بدن*، بدن زنانه به مثابه ابژهٔ قدرت، *سایت انسان‌شناسی و فرهنگ*.

حسینی، م. (۱۳۹۲). *تن دال*، تحول فرهنگ سیاسی در سینمای پرمخاطب ایران (۱۳۹۰-۱۳۵۷)، تهران: انتشارات رخداد نو.

دوران، ب. (۱۳۸۷). «سلسلهٔ پریچ و تاب نشانه‌ها: نگاهی به مستند «دماغ به سبک ایرانی»»، *سایت انسان‌شناسی و فرهنگ*.

دیویس، ک. (۱۳۹۲). «چرا تفاوت‌ها را نمی‌پذیریم؟»، ترجمه: دوستار، ر.، *مجلهٔ اینترنتی زن‌نگار*، نشریهٔ پژوهشگران و کنشگران مطالعات زنان، شماره ۱۳، خردادماه، www.Zannegaar.Net.

ذکایی، م. س. و امن‌پور، ف. (۱۳۹۱). *درآمدی بر تاریخ فرهنگی بدن در ایران*، تهران: انتشارات تیس، چاپ دوم.

ذکایی، م. س. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی جوانان ایران*، تهران: مؤسسه انتشارات آگه.

ذکایی، م. س. (۱۳۸۶). *فرهنگ مطالعات جوانان*، تهران: مؤسسه انتشارات آگه.

جراحی بینی در امریکا بیش از ۴۵ هزار مورد (۰/۰۱۴ درصد جمعیت)، برزیل ۷۷ هزار مورد (۰/۰۰۳ درصد جمعیت)، مکزیک ۵۰ هزار مورد و در کشوری همچون آلمان با جمعیتی تقریباً شبیه ایران بیش از ۳۰ هزار عمل جراحی (۰/۰۳۸ درصد جمعیت) بوده است. همچنین در سال ۲۰۱۳ در امریکا بیش از ۵۱۷ هزار عمل جراحی زیبایی سینه، در برزیل بیش از ۵۱۵ هزار و در آلمان میزان اعجاب‌انگیز ۱۱۳۶۳۱ عمل جراحی زیبایی سینه انجام شده است؛ یعنی تنها در این سال، ۰/۱۴ درصد جامعهٔ آلمان عمل زیبایی سینه انجام داده‌اند که این عدد سه و نیم برابر میزان عمل جراحی سالانه بینی در ایران است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت رویه‌هایی مانند جراحی زیبایی نه در ایران که در سراسر دنیا می‌تواند تابع همگنی‌های فرهنگی، امری فرامحلی، نوعی گرایش عام به سمت استانداردهای ظاهری بدن و تابع مقولهٔ جهانی‌شدن و هویت‌یابی جهانی باشد.

منابع

آزاد ارمکی، ت. و غراب، ن. (۱۳۸۷). «بدن و هویت»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۴، ش ۱۳، ص ۱۰۱-۱۲۲.

احمدنیا، ش. (۱۳۸۵). «جامعه‌شناسی بدن و بدن زنان»، *فصلنامهٔ زنان*، ش ۵، ص ۲۱-۲۳.

اخوت، ا. (۱۳۸۸). *دو بدن شاه، تأملاتی دربارهٔ نشانه‌شناسی بدن و قدرت*، تهران: نشر خجسته.

اکو، ا. (۱۳۹۰). *تاریخ زیبایی*، ترجمه و گزینش: بینا، ه.، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.

البرو، م. (۱۳۸۰). *مقدمات جامعه‌شناسی*، ترجمه: صبوری، م.، تهران: نی.

بارکر، ک. (۱۳۸۷). *مطالعات فرهنگی، نظریه و عملکرد*، ترجمه: فرجی، م. و حمیدی، ن.، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- علیخواه، ف. (۱۳۸۷). *گفت و گو با روزنامه اعتماد ملی*، ۱۳۸۷/۱/۱۹.
- فاتحی، ا. و اخلاصی، ا. (۱۳۸۹). «گفت‌مان جامعه‌شناسی بدن و نقد آن بر مبنای نظریه حیات معقول و جهان‌بینی اسلامی»، *مجله معرفت فرهنگی*، س ۱، ش ۲، ص ۵۷ - ۸۲.
- فرقانی، م. م. و اکبرزاده، ج. (۱۳۹۰). «ارائه مدلی برای تحلیل گفت‌مان انتقادی فیلم»، *مجله مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، س ۱۲، ش ۱۶، ص ۱۲۹-۱۵۷.
- فرکلاف، ن. (۱۳۸۷). *تحلیل انتقادی گفت‌مان*، ترجمه: گروه مترجمان، ج ۲، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- فرکلاف، ن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفت‌مان*، مترجمان: شایسته پیران و همکاران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های رسانه‌ها.
- فکوهی، ن. (۱۳۸۶). *این دماغ لعنتی؛ نگاهی به فیلم مستند دماغ به سبک ایرانی*، سایت *انسان‌شناسی و فرهنگ*.
- قبادی، ح. و آقاگل‌زاده، ف. (۱۳۸۸). «تحلیل گفت‌مان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور»، *فصلنامه نقد ادبی*، س ۲، ش ۶، ص ۱۴۳-۱۸۹.
- کاشی، م. ج.؛ هلالی، غ. و ستوده، م. (۱۳۹۲). «واکاوی گفت‌مان نظارت بر تن زنانه در ایران پس از انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۹، ش ۳۲، ص ۷۵-۹۸.
- گلشنی، م. (۱۳۸۹). «جراحی زیبایی در ایران سالانه ۳۰ درصد افزایش می‌یابد»، *روزنامه خبر*، ش ۸۴۳۱.
- گین، ن. (۱۳۹۲). *آینده نظریه اجتماعی*، ترجمه: مهدی‌زاده، م.، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- مهدی‌فر، ح. (۱۳۸۱). *حیات معقول از دیدگاه علامه محمدتقی جعفری (با تأکید بر تفسیر نهج البلاغه)*،
- ذکایی، م. س. (۱۳۸۷). «جوانان، بدن و فرهنگ تناسب اندام»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، س ۱، ش ۱، ص ۱۱۷-۱۴۲.
- ذکایی، م. س. و فرزانه، ح. (۱۳۸۷). «زنانه و فرهنگ بدن»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۴، ش ۱۱، ص ۴۵-۶۱.
- رضایی، ا. و اینانلو، م. (۱۳۸۹). «مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی در بین دختران دانشگاه مازندران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، س ۱۲، ش ۴۷، ص ۱۴۱-۱۷۰.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۸۲). *آناتومی جامعه*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زائررضایی، ه. (۱۳۸۵). «هفتم در جهان، سوم در خاورمیانه»، *سایت روزنامه سلامت*.
- زاهدی‌فر، پ. (۱۳۸۸). *واکاوی علل اقدام به اعمال جراحی زیبایی، بیست و یکم مهرماه ۸۸ گزارش نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران*.
- سلطانی، م. (۱۳۸۶). «تحلیل گفت‌مانی فیلم‌های سیاسی - اجتماعی: نگاهی به فیلم پارتی سامان مقدم»، *فصلنامه انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۳، ش ۹، ص ۱-۱۶.
- سیارپور، ف. (۱۳۹۲). *دماغ به سبک ایرانی*، سایت *اینترنتی مجله هفته*.
- صادقی‌فسائی، س. و نیکخواه قمصری، ن. (۱۳۹۱). «زنانه فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی»، *فصلنامه زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۴، ش ۲، ص ۲۴-۵.
- علوی، ا. (۱۳۹۲). *بازنمایی سبک زندگی مردم ایران در مستند تابستان مادر تهران*، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

- Fairclough, N. (1992) *Discours and Social Change*, Polity Press, London.
- Featherstone, M. (1987) *Lifestyle and Consumer Culture Theory, Culture and Society*
- Fraser, S. (2003) *Cosmetic surgery, gender and culture*. New York: Palgrave Macmillan.
- Haiken, E. (1997) *Venus envy: A history of cosmetic surgery*. Baltimore: The John Hopkins University Press.
- Hall, S. (1992) *The question of cultural identity*. In S. Hall, D. Held, & T. McGrew (Eds.), *Modernity and its futures* (pp. 273-326). Cambridge: Polity Press
- Jones, M. (2009) *Makeover Culture s Dark Side: Breasts, Death and Lolo Ferrari*. *Body Society*, 14(1):89-104.
- Jones, M. (2008a) "Makeover Culture's Dark Side: Breasts, Death and Lolo Ferrari". *Body & Society*, 14(1): 89-104.
- Kress, G. & Van Leeuwen, T. (2006) *Reading images: The grammar of visual design* (2nd Ed.). London: Routledge
- Leiss, W. Keline, S. and Jhally, S. (1986) *Social commnucation in advertising person's product and image of sell being*, London, Methuen.
- Negrin, L. (2008) *Appearance and identity: Fashioning the body in postmodernity*. New York: Palgrave Macmillan
- Shilling, C. (2003) *The body and social theory* (2nd Ed.). London: Sage.
- Shilling, Ch. (2003) *Body and Social Theory*, London: Sage Publication
- Van Dijk, T. (2001) *Principal of Critial Discourse Analysis*, in Michael Toolan, ed, *Critical Discourse Analysis*, volume2, Routhledge , London and New York, First Published , PP . 104 ° 143
- Weinmann, M. (2010) *Operation Beauty: Discourses of Cosmetic Surgery in Popular women's Magazines in Australia, Germany and Japan, A Thesis Submitted in fulfillment of the requirements for the degree of Coctor of Philosophy*, Scholl of Education Design and Social Context Portfolio RMIT University July 2010.
- Wodak, R. & Weiss, G. (2003) *Critical Discourse Analysis Theory and Interdisciplinarity*, Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Wodak, R. Meyer, M. (2001) *Methods of Critical Discourse Analysis*, London: SAGE Publications.
- Wodak, R. (1997) *Gender and Discourse*. London: Sage.
- پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم.
- هیز، ک. و جونز، م. (۱۳۹۲). «جراحی زیبایی در عصر جنسیت»، ترجمه: پرنیان، ح.، *مجله اینترنتی زنان‌نگار نشریه پژوهشگران و کنشگران مطالعات زنان*، ش ۱۳، خردادماه، www.Zannegaar.Net.
- یارمحمدی، ل. (۱۳۸۰). «واژگان هسته‌ای و غیرهسته‌ای در واژه‌شناسی مقابله‌ای: تجزیه و تحلیل گفتمانی انتقادی و ترجمه ادبی»، *مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران*، مشهد: نشر بنفشه، ص ۳۲۹-۳۲۳.
- یزدخواستی، ب؛ بابایی، ج. و دشتی، ز. (۱۳۹۱). «بدن / کار؛ نشانه‌گذاری بدن زنانه در محیط کار»، *فصلنامه مطالعات زنان*، س ۱۰، ش ۳، ص ۳۸ ° ۷.
- یورگنسن، م. و فیلیپس، ل. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه: جلیلی، ه.، تهران: نشر نی.
- Amalia Mustika Nur (2014) *Cosmetic Surgery As A Feminine Practice In The Film 200 Pounds Beauty*, State University Of Malang, Faculty Of Letters English Department, May
- Bauman, Zygmunt. Lyon, David (2013) *Liquid Surveillance: A Conversation Publisher: Polity*
- Bauman, Z. (2003) *Liquid love: On the frailty of human bonds*. Cambridge: Polity Press.
- Bauman, Z. (2005) *Liquid Life*. Cambridge: Polity Press.
- Bauman, Z. (2000) *Liquid modernity*. Cambridge: Polity Press.
- Bordo, S. (1995) *Unbearable weight: Feminism, Western Culture and the Body*. Barekley, CA, Los Angeles, and London: University of California Press
- Douglas, M. (1970) *Natural Symbols: explorations in cosmology*, London. Barrie and Rackliff, the Cresset Press,
- Douglas, M. (1996) *Purity and danger: an analysis of concepts of pollution and taboo*, London: Routledge
- Douglas, M. (1997) *The two worlds*”, in *Natural Symbols*, London: Routledge